

نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۲ شهریور ۵۹ شماره ۹۲ تک شماره ۱۰۰ ریال

لهستان

«اگر روسها حمله کنند، اوضاع مانند افغانستان خواهد شد، نه مانند پراگ»



«با یک کورون» رهبر مخالفین لهستانی را زینیا نگاران گمته های کارگری جمله تیوت را در نما حبه های ادا کرده است. امروز کارگران اعضای میا رز لهستان همگی چنین فکر میکنند زیرا به نقش و اهمیت ویژه جنبش خود در اروپا و در جهان بسده خوبی واقفند.

در صفحه ۶

شرح عکس: معدنچیان دولت را تهدید کرده اند که در صورت سرکوب نظامی کارگران اعتصابی بندردانک، آنها نیز دست با عصاب خواهند زد.

بانپرووی ضربتی آمریکا مقابله کنیم

با استمرار ۸۰۰ تنگهادر دریایی امریکایی در دریای عمان و نزدیک سواحل ایران، طرح ویژه «نیروی ضربتی» امریکا وارد مرحله عمل شد. «نیروی ضربتی» امریکا از مدتها پیش توسط سرهنگ کلی سازماندهی میشد. این نیرو در مجموع بالغ بر ۲۵۰۰۰ نفر میباشند که در دولت کنگر هوا بردویک لشکرزری متشکل میشوند. سازماندهی «نیروی ضربتی» بگونه ایست که در مدت کوتاهی گروگانها و هتک های گوناگون

نیروهای دریایی، هوایی و زمینی ارتش امریکا، از نقاط مختلف جهان به زیرک فرماندهی گردآمده و وارد عمل میشوند. به سرهنگ کلی اختیار داده شده است که هر هتک یا گردان و یگاندهمگمی را در هر

زمینه که مورد نیاز دارد، از ارتش امریکا در نقاط مختلف جهان بجز اروپا، کره جنوبی، سرگزیده و تحت فرماندهی خویش بگیرد. دولت امریکا بودجه ای معادل ۵/۲ میلیارد دلار برای ساختن تاسیسات، تغییر هواپیماهای غول بیگر بطوریکه تا در سه پروازهای دراز مدت برای حمل و نقل افراد نیروی ضربتی «بهر نقطه از جهان» باشند و همچنین توسعه و تقویت تاسیسات امریکا تصویب کرده است. تاسیسات نظامی امریکا در مصر ای نوا داد و کالیفرنیا نیز تحت اختیار این نیرو قرار گرفته تا افرادی ترمینات نظامی خویش را در آنجا انجام دهند.

طبق اظهار نظر مقامات رسمی امریکا این «نیروی ضربتی» میتواند تا ولین گروه افراد خود را در عرض مدت ۴۸ ساعت مظلدر آبدان بیاده کرده و تاسیسات نفتی را تحت اختیار خود درآورد افراد اولین گروه «نیروی ضربتی» در هر جا که بیاده شوند، موظفند فرودگاهگاه موقت با حمارهای دفاعی لازم و سایر تاسیسات را ایجاد کرده و قرار بدهند.

درسهای ۲۸ مرداد وسکوت انحصار طلبان

اسلام مبارز شده اند. همه نیروها غیر از خود را و حتی جناحهای اسلامی نهضت ملی را طرد و نفی می کنند، در بر حسب زدن وجدال های گروهی برای قدرت و دخالت و کارکنی در مورد بگرا بسیار زمانه اند.

سه شنبه هفته گذشته سالروز کودتای جنایت بار ۲۸ مرداد بود، کودتایی که بمدت ۲۵ سال سلطه رژیم سارت، غارت، وابستگی و شکنجه و کشتار را بر میهن ما تحمیل کرد. این کودتا که برخی اشباحات

یکماه پس از اشغال دفاتر احزاب و گروهها

میخواهند صاحبخانه را طبق «مدارک» دزد محاکمه کنند!

ماه گذشته که دفاتر گروهها و احزاب مورد حمله عده ای افسراد تحریک شده از طرف مراکز خودکام می

حملات
به دکاهای
کتابفروشی
زمینه ساز

این پرونده سازیهای مسخره در عین اینکه ممکن است برای این باشد که حمله کنندگان، بخوابند

آنحرفات رهبران و نیروهای سیاسی در ساختن زمینه‌های آن موثر بود در شرایط کنونی میهن ما که جو کودتا و شورش آنجا مگودنا و توطئه‌های دیگر علیه انقلاب از طرف هریک از دو ابر قدرت مساعدت، بی‌تاب به تجربه تاریخی حاوی درسهای است که می‌باید بسیار مورد توجه قرار بگیرد. اما برخلاف این انتظار رمانا هدهه کردیم که بخش مهمی از رسانه‌های گروهی کشور ما که زیر نظر آنحرفات رطلیبان اداره میشوند (رادیو و تلویزیون، برخی روزنامه‌ها) در باره اهمیت کودتای ۲۸ مرداد در سپه‌ای آن سکوت کردند و آنجا هم که برای خالی نبودن عریضه سخن گفتند به کوبیدن صدق و ملی‌گرایی مترقی و بی‌پره بردار و ریل‌های سیاسی از این قبیل پرداختند.

سکوت آنحرفات رطلیبان در باره علل پیروزی کودتا و شکست نهفت ملی برای چیست؟ آیا کودتای ۲۸ مرداد تجربه مهمی نبود؟ به گواهی نظرات میلیونها مردم ما و همانطور که در پیچ و برگزنی تشریحات دیگر آمده، ایمن برای مبارزات مردم ما دارد.

پس آیا امروز در شرایط کنونی جامعه ما این درسها دیگر اهمیت و کاربرد ندارند؟ آیا زهم جواب منفی است، چرا که اکنون از یکسوی توطئه‌های دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و نوکران آنها و از سوی دیگر نا رضایتی روز افزون مردم از عملکرد بخشهایی از حاکمین، جو توطئه و کودتا را سراجا معما گسترانده است. برخی از توطئه‌ها و کودتاها نیز کشف و خنثی شده‌اند و همچنان مقامات جمهوری اسلامی صحبت از توطئه‌ها و کودتا‌های دیگر میکنند. لذا مرورد در سپه‌ای کودتای ۲۸ مرداد دویا فشاری بر آموزشهای آن بسیار ضروری و با اهمیت است.

پس باید دید آنحرفات رطلیبان چه منافعی در این سکوت دارند. در واقع آنحرفات رطلیبان بخوبی می‌بینند که نه تنها در سپه‌ای ۲۸ مرداد برای آنها منفعتی ندارد بلکه چنانچه مردم در باره این درسها هوشیار تر و آگاه‌تر شوند، این امر به زیان آنحرفات رطلیبان در راه سوار شدن کامل بر ابریک قدرت است.

ملی و پیروزی کودتای ۲۸ مرداد را مروری کنیم و می‌بینیم که چرا آنحرفات رطلیبان از اینکه این درسها را بمرم هتدار بدهند گریزانند و فرصت طلبان را تنها رده شده‌اند.

یکی از مهمترین زمینه‌های که پیروزی کودتای ۲۸ مرداد را فراهم ساخت، برهم خوردن وحدت توده‌ها عمدتاً بعطرت رودرونی اسلام مبارز با ملی‌گرایی مترقی (آیت‌الله کاشانی و دکتر محمد رهبر نهفت) و همچنین کشتن جو بر صبر بی‌نتی یکدیگر، جدال و کارشکنی بود. امروز آنحرفات رطلیبان خود عامل مهم تفرقه در اتحاد برک ملی و در

تفرقه در صفوف مردم ایجاد میکنند و زمینه ساز زکودتا می‌شود. یکی دیگر از علل شکست نهفت ملی، جدا شدن رهبری از توده‌ها و کناره‌گذاشتن توده‌ها از صحنه مبارزه سیاسی و فدا میریالیستی بود. بطوری که مردم برای حمایت از نهفت در برابر وقوع کودتایی تفاق شده و بی‌توقع آن آمادگی کمی برای مقابله داشتند.

امروز هم آنحرفات رطلیبان ما با اخلال در حل مشکلات مردم سرگوب خواستهای زحمتکشان را ایجاد نمی‌کنند و رضایتی وسیع، توده‌ها را از رهبری جدا ساخته و با درپیش گرفتن سیاست قیام با نه نسبت به مردم و توده‌های پشت پرده سنی در به خانه فرستادن توده‌ها از صحنه‌های عملی مبارزه می‌کنند. آنحرفات رطلیبان همچنین با برچیدن آزادیها و سرکوب مبارزات سیاسی و فدا میریالیستی توده‌ها که به خیال آنها "غیرمکتبی" باشد، توده‌ها را از صحنه فعال مبارزات سیاسی و گسترش مبارزه فدا میریالیستی باز میدارند.

اینگونه عملکردهای آنحرفات رطلیبان روز بروز حمایت توده‌ها را از نهفت و رهبری آن کم میکنند و آنها را از صحنه مبارزه و مقابله با توطئه‌های دشمن به عقب میرانند.

و بالاخره یکی از علت‌های مهم پیروزی کودتای ۲۸ مرداد درک نادرست رهبران نهفت از ماهیت امیرالیسم و پیوزها امیرالیسم در حال تهاجم آمریکا و شیوه‌های نو استعماری آن بود. در آن موقع شیوه برخورد رهبری با امیرالیسم مسامحه‌کارانه بوده و در مبارزه با امیرالیسم تکلیف نسبت به

امیرالیسم نخواستند آمریکا دچار شوهم و خوش خیالی شده بود. امروز آنحرفات رطلیبان از یک سو سیاست انقلابگری کاذب و لفاظی‌های باصطلاح "انقلابی" در برخورد با امیرالیسم آمریکا و غرب در سیاستهای داخلی و خارجی در عمل به مبارزه جدی فدا میریالیستی لطمه میرسانند و از سوی دیگر بخشهایی از آنحرفات رطلیبان نسبت به امیرالیسم نخواستند مترقی، یعنی شوروی و تجا و زگر و در حال تهاجم دچار شوهم و مسدا را جوئی هستند. بخشهایی از آنحرفات رطلیبان از یکطرف آنحرفان نظا هرب "انقلابی" بودن میکنند که به همه برجست‌ترین مریزند، میخواهند همه چیز "غربی" را تحریم کنند، بروی همه ما برجست اینکه "غربی" است تمسیر میکنند و... و از طرف دیگر در حالیکه دشمنان از گفتن "تشرقی" نه‌غربی" کف کردند، بداند قدرت شوروی چنگت میریزند.

حال با این خصوصیات آنحرفات رطلیبان طبیعی است که آنها میل بنیاد شده باشند مردم را نسبت به درسهای کودتای ۲۸ مرداد هتدار دهند. چرا که می‌بینیم هتدارهای ۲۸ مرداد، در واقع هتداران است بی‌بفید در صحنه

لزم را برای بنیاد شدن بقیه گروههای "نیروی ضربتی" در ۲۲ ساعت بعد فرا هم آورند. بدین ترتیب امیرالیسم آمریکا سعی میکند که با ایجاد این نیروی سریع الانتقال بتوانند در عرض ۲۲ ساعت در هر نقطه از جهان که بخواهند نیروی زرهی با سلاح سنگین، تانک و توپخانه و با حمایت یک چتر هوایی مرکب از فانتوم و هلی کوپتر بنیاد کنند.

مکمل این "نیروی ضربتی" باید که امیرالیسم در نقیاط گوناگون جهان میباید. از اینرو قسمتی از بودجه فوق صرف توسعه و تقویت پایگاههای آمریکا در مناطق مختلف جهان میشود. تلاشهایی چند ماه گذشته امیرالیسم آمریکا برای بدست آوردن پایگاههایی در گنی و سومالی و تقویت پایگاه نظامی در جزیره دیگوگا در آسیا در رابطه با طرح فوق میباید.

بفید در صفحه ۲

و غیر مستقیم، مراد و برکت، گنندگان دفتر "شجر" در تهران و شهرستانها و دیگران را در پیچ و برگزنی در پیروزی دست به یکسری دروغ بردار می‌آورند. در این باره می‌توان گفت که اینها در پیچ و برگزنی در پیروزی دست به یکسری دروغ بردار می‌آورند. در این باره می‌توان گفت که اینها در پیچ و برگزنی در پیروزی دست به یکسری دروغ بردار می‌آورند.

جای دیگر اخبار سراسر ساختگی کشف چماق و غیره و درگیری و دستگیری افراد در تهران در روزنامه‌ها انتشار داده‌اند. که در اصل چنین حوادثی صحت نداشت.

آخر این یکی از همین "کاشانی" دروغگو و پرونده ساز بعد از یک ماه کشف کرده "سفی" جین دوبا رید دفتر شجر فرستاده بود!

در همین حال میتوان ادعای کرد که اینها در پیچ و برگزنی در پیروزی دست به یکسری دروغ بردار می‌آورند. در این باره می‌توان گفت که اینها در پیچ و برگزنی در پیروزی دست به یکسری دروغ بردار می‌آورند. در این باره می‌توان گفت که اینها در پیچ و برگزنی در پیروزی دست به یکسری دروغ بردار می‌آورند.

بفید در صفحه ۶

از پاسخ وزارت امور خارجه به تذکاریه گروه میکوپشتیبانی کنیم (۳) در برابر ستون پنجم روسیه در ایران هشیار باید بود

وزیر امور خارجه ایران در جوابیه مهم خود به "تذکاریه" گروه میکوپشتیبانی در تهران و سایر نقاط ایران به یکی از زمینه‌های مهم و اساسی اعمال فدا انقلاب علیه ایران که در جهت تدارک نرسند از جمهوری نیوی اسلامی و برقراری سلطه شوم سوسیال فاشیسم بر ایران است، اشاره میکنند. در این جوابیه خطیاب بدولت روسیه آمده است: "تمساعوامل خود را پس از سالها آموزش خاص روانه ایران گردید و ستون پنجم خود یعنی حزب شناخته شده‌ای را تجدید سازمان نمودید و روزنامه افکار خود را بنا بر آن منتشر ساختید و از هر گونه کمک‌گذاری و معنی و ایجاد اختلاف و تفاق در بین دولت مردان و ملت از هر جهت مجوز یافتند."

اشاره وزیر امور خارجه ایران به نقش دارو دسته‌کیا نوری در حزب توده به ما ستون پنجم امیرالیسم روسیه در ایران، مسئله بسیار مهم و قابل تحقیق است. زیرا که ستونهای پنجم امیرالیسم روسیه تا بودی کشاندن انقلابات و زمینه سازی برای سلطه امیرالیسم میاچم در بسیاری از کشورهای جهان، نقش مهلک و خائنانه تسوز

برگزاری موفقیت آمیز کنگره کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در آمریکا خدا انقلاب در سالن کنگره دو به به منقجر کرد در صفحه ۶

بفید در صفحه ۶

بفید در صفحه ۶

مواظب جاسوسان روسی باشید

مقامات و نیروهای سیاسی نسبت به خطرات بر قدرت روسی توجه و با حتی خوش خیال هستند. ما به مقامات جمهوری اسلامی، نیروهای سیاسی و نهادها و کلیه مردم میبایست هتدار میبدهیم که با توجه به نحوه‌های بسیاری که در همین مدت کم مشاهده شده، نسبت به جاسوسان و مردهوران روسیه دقت و حساسیت کافی داشته باشند. مقامات دولتی و نهادها و انقلابی باید اولاً در مورد گاهش و با استدلال و دیلیات ها و مراکز و مستعبد دولت روسیه، هتدا نظور که وزارت امور خارجه تصمیم گرفته، به طور جدی اقدام نمایند. تا نیکیا فعالیتها و اقدامات این مراکز و افراد وابسته به آن و سایر افراد روسی را بطور دقیق تحت کنترل و نظارت خود داشته باشند.

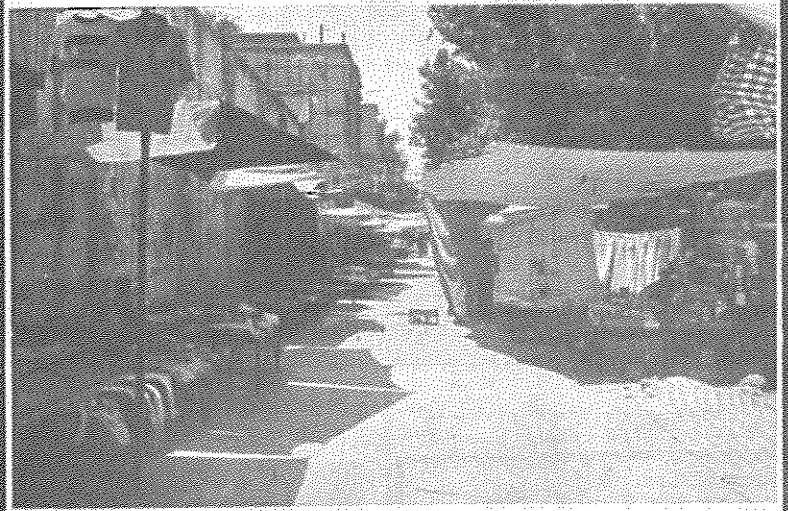
گزارشات شهرستانها

دست‌فروشهای فقیر شیراز را هم از سر گردانی نجات دهید

تا چند مدت دیگر مغازه‌های ده هزار تومانی که شرکت تعاونی دست‌فروشان شیراز برای دست‌فروشان میان‌بده‌ها در حال دست‌فروشی است که دارای سرمایه نسبتاً خوبی هستند تهیه کرده است، آماده تحویل میشوند. در این میان سر تعداد دریا دی از دست‌فروشان کم‌سرمایه و شهیدست کلاه‌کشایی می‌رود. چرا که از طرف دیگر با تحویل این مغازه، خطر بزرگی همه‌دکه‌ها، توسط شهرداری و کمیته‌ها پیش از این افزایش می‌یابد و در این میان دست‌فروشان کم‌سرمایه بیشتر توان را میسر دارند.

با توجه به این مسائل خبرنگار "رنجبر" به میان این زحمتکشان که اغلب در نواحی مرکز شیراز کار میکنند رفت و به‌یاد صحت آنها نشت.

وضع کارگردان دست‌فروشان شیراز یک دست‌فروش با ده هزار تومان سرمایه روزی ۷۰ تومان بطور متوسط درآمد دارد. یکی از دست‌فروشان میگفت: "از قریب‌تران جدید ۴۰۰۰۰ کیلوگرام میزینت جوخ میام فلک‌ستاد، ممکن است که روزی ۱۰ تومان گیرم بیاید



با ۱۰ تومان یا ۱۰۰ تومان، یکی دیگر میگفت: "هرچی که در میارم خرج میکنم".

یکی از دست‌فروشان محروم میگفت: "تا کاکا دارم لخت و عسریان بدی دارم بیرون فرسوده که حتی یک تومان برای یک سیگار ۲۰ عددی ندارد. بزرگ من بیرون فرسوده و دارای وضع نامرتبی است و چربی بولسی است."

یکی دیگر از دست‌فروشان میگفت: "با ۱۰۰۰ تومان سرمایه ۸ تا بیچسه دارم، با کرایه خانه، خرج غله، نون، کنجی (بخور و نمیری) گیرم میاید، جوان همسایه این دست‌فروش بیرون میگفت: "حاجی الان مرغان است و بیسول ندارد که بروی دگتر، بول بدهد برای دکتر با خرج زن و بچه اش".

یکی از دست‌فروشان میگفت: "با بول ندارم، سنا برای کنایه کنایه بین بساط گردیم و فحش این یکی و آن یکی را میخوریم. اگر بول داشتیم مغازه

از پاسخ وزارت امور خارجه به قدکاریه گرومیکو پشتیبانی کنیم

بازی میکند. شرح جزئیات فعالیت ستون پنجمی این دارو دسته از حوصله این نوشته خارج است. ما در ارتباط با نامور و وزیر امور خارجه به روشنی اساسی ترین این فعالیتها اشاره میکنیم تا روشن شود، هشدار وزیر امور خارجه بر اساس واقعیت و درخور همه‌گونه توجه و دقت است:

دارو دسته کما نوری از همان آغاز زبیروزی انقلاب اسلامی، استراتژی‌های خود در روسیه و اروپای شرقی را ترک کرده و برای لیفای نقش جدید خود روانه ایران شدند. آنها برای انجام این وظیفه جدید سلطنت طلبی، جبهه سازی با رژیم آل بختیار، رژیم شاه نخستین "جوانب منت" رژیم شاه را بکار گذاشته و خود را طرفدار دولت شاه جمهوری اسلامی جا زدند تا شاید بتوانند در صف نیروهای خلق رخنه کنند، زیرا که نفوذ در صف خلق و عمل کردن بهمانا به بخشی از نیروهای مردمی پیش شرط اصلی انجام وظیفه بهمانا است. ستون پنجم میربا لیم روسیه است. دارو دسته کما نوری از همان ابتدا، سوختا نه و با تمام قوا با اساسی ترین شعار استقلال طلبانه انقلاب اسلامی یعنی شعار، ننه شرقی، نه غربی، سیاست اتکاء به نیروی خود را بر مبنای دوا بر قدرت، مقابله نمودند. زیرا که افکار استقلال طلبانه، و با فشاری بر عدم وابستگی و اتکال به نیروی خود، با سعادت در برابر نفوذ سلطه روسیه امپریالیستی بوده و هست. و تلاش حزب تسوده بر این است که امپریالیسم آمریکا را بعنوان تنها دشمن انقلاب ایران جا بزند تا روسیه را از زیر ضربات انقلاب برهانند. ... جا زدن روسیه بهمانا به "دوست" ایران و انقلاب اسلامی و ایجاد افکار عمومی بنفع روسیه و وجود آوردن محبوبیت برای رژیم کرملین جز وظایف اساسی ستون های پنجم روسیه در سراسر جهان و از جمله در ایران است. نگاهش به تبلیغات وسیع با تکیه نوری تلاش همه جا نبوده است. در جهت این وظیفه نشان میدهد: روسنامه "مردم" بهمانا به افکار روسیه امپریالیستی روسی دانسته و با بی شرمی خاسی خائنین، درباره "تفنگی قاطع" و "ککهای جانانه" روسیه در زبیروزی انقلاب ایران و ندادن آن قلمفرسایی میکند.

و تا شریکذاری بر سیاست و مشی نیروهای انقلابی است. دارو دسته کما نوری در حزب تسوده نیز به تبعیت از این وظیفه کوشش گسترده ای برای رخنه و نفوذ در سازمانهای دولتی، ارتش و حتی نهادهای انقلابی انجام میدهد. گماردن افراد در پست های مختلف حکومتی نه تنها بخاطر کسب اطلاعات و جا سوسپتی برای سازمان ک. گ. ب. (که نتیجه فرعی نفوذ در حکومت است) بلکه بیشتر برای تا شیر بر سیاست روز و منحرف کردن آن سوی روسیه است. تقویت گرایش مدارا جویی با مسکودا من زدن به انقلابیگری کاذب، برهم زدن وحدت کشورهای جهان سوم، بخش آتش حمله بسوی همه کس و همه چیز که لاجرم به انفراد ایران منجر شده و شرایط را برای نفوذ روسیه پیش ازین فراهم میکند... گوشه‌ها بی از این تلاش را تشکیل میدهند.

یکی از وظایف اساسی ستونهای پنجم برهم زدن وحدت خلق و وحدت در میان حاکمین است، زیرا که در شرایط تفرقه و دعوی درونی است که امکان تسلط امپریالیسم فراهم میگردد. دارو دسته کما نوری در این زمینه مدتهاست که فعالیت وسیعی را آغاز کرده است. حملنه به شخصیتها، مختلف زبیر بر حسب هابی نظیر "امریکایی"، "لیبرال" و... و از من زدن به اختلافات موجود در بخشهای مختلف هیئت حاکمه و "امریکایی" خواندن هر کسی که در مقام مسئول سیاست های روسیه را مورد انتقاد قرار میدهد، در صدد فعالیتهای تخریبی حزب تسوده قرار دارند.

آنچه که بر سر میدیم تنها گوشه‌ای از لیست وظایف دارو دسته کما نوری بعنوان ستون پنجم روسیه را تشکیل میدهند. تجربه کشورهای دیگر بویژه افغانستان حاوی درسهای آموزنده ای است. خائنین "خلقی" و "برجمی" که سالها وظایف ستون پنجمی خود را در رژیمهای ظالم شاه و دودان انجام داده بودند، با نفوذ در ارگان های حکومتی و ارتش و انجام دیگتر وظایف خائنه خود در شرایط لشکر کشی روسیه را فراهم نمودند و همین ها بودند که در شرایط سلطه نظامی روسیه، خودیستهای حکومتی را به دست گرفته و به تقاضای مسرمد افغان نشان بر دادند.

انقلاب ایران با دشمنان غدا ری چون دوا بر قدرت امریکایی و روسیه و زبیروست، دشمنانسی که

اخبار نیروهای سیاسی

سازمان پیکار

مرجعین و رویزونیستها
سوسیال امپریالیسم را سبیل
سوسیالیسم جلوه می‌دهند

امپریالیستی نمی‌توانست به تشدید بحرانهای اقتصادی آن نیا انجامد. بخصوص که: "اقتصاد کنونی شوروی یک اقتصاد ملیتاریست است". "پیکار" سپس به وجوه مختلف گنبدی و وظیفی گری اقتصاد بیما سرما یه‌داری شوروی برخورد کرده و از جمله به: "گسترش بخشهای غیر تولیدی اقتصاد دبه‌زیان بخش تولیدی" و "ملیتاریست شدن اقتصاد این کشور جهت فروش اسلحه و مسابقات تسلیحاتی" و "مدور سرما به‌وغارت کشورهای دیگر" و "استثمار روغارت طبقه حاکم" و غیره، و عوارض و مشکلاتی که بر دوش اقتصاد دهرانی شوروی گذاشته است، اشاره میکنند و نتیجه می‌گیرند که:

"به همین خاطر باید مرشد برزنف مجبور میگردد تا سبیل امپریالیستهای دیگر دست‌کدانی در از کند و وام و اعتبار روتکنولوژی آنها را به کمک خود بگیرد. "پیکار" زبیر نویسد: این بدیده‌ها معلول یک واقعیت می‌باشند. این واقعیت عبارت است از حاکمیت بورژوازی و وجود اقتصاد امپریالیستی در شوروی، بحران در اقتصاد شوروی معلول ماهیت بورژوازی اقتصادی حاکم می‌باشد."

"پیکار" سپس می‌نویسد: رویزونیستها و از جمله حزب تسوده خائن و سازمان چریکهای فدائیی خلق (اکثریت) و نیز جریانات شدیداً متزلزل در برابر رویزونیسم مانند "راه کارگر" میکوشند تا واقعیتها را دگرگونه جلوه دهند و سوسیال امپریالیسم را سبیل جان بزنند. این تبلیغات برضد پرولتاریا و انقلاب پرولتاریا می‌باشد. این تبلیغات آب ننه آسیاب ننه تنها رویزونیستهای شوروی بلکه امپریالیسم و ارتجاع جهانی نیز میریزد."

"پیکار" در خاتمه می‌نویسد: مرجعین و رویزونیستها، سوسیال امپریالیسم را بهمانا به سبیل کمونیسم جلوه داده و بدین طریق می‌کوشند از پرولتاریا و زحمتکشان جهان نسبت به سوسیالیسم سلب اعتماد کنند، ولی ما رگسبیت لنینیستهای جهان و در اینجا کمونیستهای میهن ما با بدیا مدای رسا حقیقت را اعلام میکنند. آنها با بدیا تمام نیروی بگویند که شوروی امروز یک کشور سوسیالیستی نیست....."

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، سرما یه‌گذارهای وسیع کشورهای امپریالیستی غرب را در شوروی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و آن را ناشی از ماهیت بورژوازی و سوسیال امپریالیستی شوروی و بحران اقتصادی که در انگیرا بین کشور امپریالیستی است، دانسته و به کسانی که شوروی را کمونیستی "سوسیالیستی" می‌نامند، تا خفاست. ("پیکار" ۶۷) "پیکار"، در ابتدای پرسند: "چرا شوروی که به قول برزنف مرتد به مرزهای تازه در زمینه ایجاد بنیادها می‌باشد، و حتی کمونیسم رسیده است هنوز محتاج سرمایه، وام و تکنولوژی امپریالیستهای غربی میباشد؟ و خود جواب میدهد که:

"پاسخ این پرسشها در این نکته نهفته است که شوروی سوسیالیستی لنین و استالین بدنیا ل استقرار رویزونیسم خروشجفی بردستگاه حزبی و دولتی و استقرار سرمایه داری انحصاری دولتی به کشورهای سوسیال امپریالیستی تبدیل میگردد" و "در این کشورها حاکمیت تمام عیار رویزونیسم، دیکتاتور پرولتاریا و ساختن سوسیالیسم نابوده شده و دیکتاتور پرولتاریا استقرار می‌یابد."

"پیکار" در ادامه این مطلب می‌افزاید: "آنان برای این امر ننه تنها به بسیج نیروهای پرولتاریا داخل کشور همت گماشتند بلکه هم چنین تکنولوژی و سرمایه و وام خارجی را و شیوه رشد سرما یه‌داری در شوروی قرار دادند."

"پیکار" سپس به بحرانهای اقتصادی که در نتیجه "حاکمیت قوانین سرما یه‌داری بر اقتصاد شوروی و خصلت ملیتاریست بودن آن"، دانگیرا بین کشورهای است، اشاره کرده و می‌نویسد: "تبدیل شوروی رویزونیستی به یک کشور سوسیالیست

مهم جهانی از طرف حزب کمونیست

داده‌ها که

راه‌ها برای جلوگیری از گسترش بناطها: تعدادی از دستفروش‌ها میگفتند: " این کار دستفروشی به هیچ عنوان نباید در دستفروش‌ها میخورد و نه بدرمان مملکت، تنها راه‌ها را به این است که ای جوانانی که وقت خود را تلف میکنند به کار رتولیبندی مشغول شوند."

یکی از محصلین که در تاسمان رسماً کار میکند میگفت که تقریباً نیمی از ساکنان بین ۱۲ تا ۱۷ سال دارند و باید برای اینها جایی بسازد کارآموزی درست کنند تا برای این مملکت آینده‌روشنی باشند.

مانی میگفتند که شهرداری باید در جای مناسب برای ما زمین تهیه کند و به نسبت مناسب و بطور گسلی قیمت زمین را بپردازیم یا اینکه برای ما کار زمین کند. یکی از محصلین بساطی در همین مورد میگفت: " اینهایی که میخواهند بیاورند دکان بسازند دولت یک زمین به اینها داد. خوب، زحمت کشید زمین داد، یک وامی هم میداد بعد ما هم ۵۰ تومان از آنجا میگرفت."

امیدواریم که با تثبیت حاکمیت و برادار افتادن جراحی تولید صنعتی و کشاورزی همراه با پشتیبانی از سرمایه‌های متوسط و ملی کسب و کار و زحمتکش، برای جوانان و نوجوانان بسالی، مجتمع‌های کارآموزی بسازد و برای آنها کارآموزی فراهم کرده و مدت کارآموزی خرج آنها تا زمین مسعود و برای آنها شنگه از نظریه‌های فکری زمینه‌ساز فعالیت را ندارند (بویژه بیرومردان و افراد ضعیف و مریض) دکانی در جای مناسب تهیه شود که بطور نسبی با ماهی ۱۵۰ - ۲۰۰ تومان بتوانند بپردازند و زندگی از این وضع سرگردانی نجات یابند.

"سویالیستی" را تبلیغ میکند و لزوم تکیه به روسیه را مبتنا بر تنها راه اهل و نجات ایران مطرح می نماید... دارو دسته کیانوری از سوی دیگر با تمام قوا و با دست زدن به کثیف‌ترین شیوه‌ها، دروغ و شایعه پراکنشی تلاش میکنند تا برای روسیه را برده‌پوشی کنند و از تاثیرات بدان بیرونی مردم جلوگیرند؛ هرچند که بعقلت جنایات روسیه، توده‌ها علیه آن مبارزه برمیگزینند، به مقاومت مردم مهر "امریگایی" و "ارتجایی" میزند که نمونه برجسته آن مبارزه مردم افغانستان است. شخصیت‌های استقلال طلب ایرانی را که چهره واقعی روسها را نشان میدهند، شعارهای استقلال طلبانه و ضد روسی را از دیوارها بیجا میکنند...

یکی دیگر از وظایف ستونهای پنجم، رخنه در ارگانهای حکومتی

و (راه رشد غیر سرمایه‌داری)

"راه کارگر" ۳۳، به‌تازگی "راه رشد غیر سرمایه‌داری" خروشگی که چریک‌های فدائی آن را "شومگینانه" پذیرفته و تبلیغ می‌کنند، برخورد کرده و می‌نویسد:

رویز یونیست‌های که در رهبری سازمان فدائی (واکون) اکثریت (جاکرفته‌اند، از سوشی "اصل تقلید" را به این بهانه که جنبش کمونیستی ما جوان و بی تجربه است تبلیغ و توصیه می‌کنند، و از سوشی دیگر در یک جنگ زرگری حزب توده را درست با تمام تبعیت از همین "اصل تقلید" مورد حمله قرار میدهند، آنها از سوشی یکی از مهمترین مقدمات تشویری رویز یونیستی "راه رشد غیر سرمایه‌داری" را می‌پذیرند و در مرحله کنونی تضاد میان کشورهای سوسیالیست و کشورهای امپریالیست را تضاد عمده جهانی می‌دانند و به این ترتیب راه را برای پذیرش تئوری تشویری خروشگی هموار میکنند و از سوی دیگر اولیا تفسکی و حزب توده را به رویز یونیسم متهم می‌کنند.

"راه کارگر" سپس می‌افزاید: "واقعیت این است که تمام رهبرین آنها از جمله حزب توده و اولیا تفسکی، با استفاده از همان مقدماتی به حقیقت تشویری انحرافی خود می‌رسند که رهبری سازمان فدائی (اکثریت) پس از آن‌ها را قبول دارند."

جالب اینجاست که "راه کارگر" در توضیح پیدایش این تشویری، خود نیز چشمکی به "اردوگاه" یا صلاح "سوسیالیستی" می‌زند، و با آنکه حقیقت را به "فرموله کربن ضادها ی

هدرمی دهد، مع الوصف گسترش و شکوفایی انقلابات راهاشی بخش خلقهای زیرسلطه "را نتیجهی بلافصل "کمک اردوگاه سوسیالیست" (بخوانید اردوگاه سوسیالیست امپریالیستی) می‌دانند، و در این رابطه مینویسد: "اردوگاه سوسیالیست با کمک به انقلابات و جنگهای آزادی بخش خلقهای زیرسلطه بود که توانست به گسترش انقلاب و تضعیف ضدانقلاب در سطح جهان یاری رساند، نه از طریق "راقت اقتصادی میان دو سیستم" اما "راه کارگر" چون خود گرفتار همان مشکلی است که چریکها نیز هستند، بنا بر این دست به یک سری عملیات آکروپاسی می‌زند تا آنچه را که خود "یکی از مهمترین مقدمات تشویری رویز یونیستی راه رشد غیر سرمایه‌داری" خروشگی میداند، ثابت نماید.

به همین علت در قسمت‌های دیگر مقاله خود از "تضاد میان کشورهای امپریالیست و کشورهای سوسیالیست" که مستمک چریکها بود، تحت عنوان "تضاد بنیادی دوران ما، نسام می‌برد و می‌افزاید:

عینی فقط دو نظام تاریخی در سدهی سرنوشت ساز زودروزی هم‌ایستاده‌اند، از آنجا که فقط در دسترس ما زده تاریخی میان این دو نظام (یعنی سوسیالیسم و سرمایه‌داری) تاریخ معاصر جهان قابل درک می‌شوند باشد، بنا بر این هر تئوریتی که از آنجا که "در عمل" ناگزیر از "تسلیم شدن" به "دوقطبی بودن جهان" است!!

این آکروپات با زی و معلق زدن‌های "راه کارگر" به کجا منتهی شود، معلوم نیست!

نامه‌ای از یک بیمارستان روانی در روسیه

در طول باری‌های المیک سکو یکی از خبرنگاران یک روزنامه سوئدی به نام جرته به دیدن دوستان و آشنایان "ولادیمیر گروسین" عضو اتحادیه کارگری روسیه بنام "اس.ام. او.بی" که عضو تئوریتی است می‌رود. وی مدتی است که بخاطر فعالیت‌های سیاسی و عضویت در این اتحادیه در بیمارستان روانی بسر میبرد. خبرنگار جرته موفق می‌شود علیرغم نقضین بدنی توسط مامورین "ک.ک.ب" نامه وی را مخفیانه به خارج از کشور ببرد.

گروسین داستان دستگیری خود را در این نامه اینطور تشریح میکند: "من در تاریخ پنجم خردادماه جاری هنگامی که از نیار-جوری به سرکار خود برمیگشتم توسط چند نفر از افراد شعبه ۱۳۱ پلیس و عدای پلیس جنائی دستگیر شدم.

وقتی وارد شعبه "آ-۱۳۱" شدم برا در حضور چند مامور پلیس به صورت دو دقیقه صحبت کردن با یک روانشناس مورد "معاینه" قرار دادم. سپس مرا به بیمارستان روانی "ای-۱۳" در "لوبلینو" منتقل کردند. در بیمارستان روانی مرا بخاطر فعالیت ایدئولوژیکی بازجویی کردند و درباره بیماری حیرتی من گفتند. آنها مرا از تلفن زدن به خانواده‌ام بازداشتند و قاطی بیماران حاد روانی کردند."

خبرنگار سوئدی می‌نویسد "گروسین این نامه را از یک کلینیک بیمارستانی داخلی نوشد است. مامورین وی را علیرغم تب شدید بدنیا در انتظار عمل جراحی روده نگه‌دارند."

وی در قسمت دیگری از نامه اشاره می‌کند که "اگر چهار یا پنج ساعت دیگر منظر می‌ماندم کار از کار گذشته بود. این مطلب را برنگانی که عمل جراحی مرا به عهده داشتند به من گفتند. این برنگان اظهار داشتند که این یک عمل غیر عادی نیست، ما با این طرز برخورد‌ها در این بیمارستان آشنائی داریم."

خبرنگار سپس می‌افزاید "ولادیمیر گروسین در سال ۱۹۷۱ نیز بخاطر فعالیت‌های سیاسی دستگیر و به بیمارستان روانی برده‌اند. علاوه بر این وی در سالهای ۱۹۵۰ نیز در اردوگاه‌های کار اجباری بسر برد است. در سال ۱۹۷۴ پس از اینکه یک روانشناس انگلیسی بنام "شاری لوبور" از وی معاینه بعمل آورد و او را کاملاً "سالم" تشخیص داد آزاد گردید.

گروسین پس از عمل جراحی مجدداً به بیمارستان روانی منتقل شد و هم اکنون در آنجا بسر میبرد.

نویسنده نامه در خانه ادامه می‌دهد "مثل سال ۱۹۷۱ باید از دوستانم در داخل کشور و خارج برای تحم از این بیمارستان روانی کمک و استناد طلبیم."

خبرنگار روزنامه جرته گزارشی میدهد که "چند روز قبل از امتحان باریهای المیک سعی ۱۵ زنیه، هست نفر از شهروندان سکو طی یک نامه سرگشاده از گروسین دفاع کردند. در بی این هست نفر و سه ولودکواکین" عضو رهبری اتحادیه کارگران (غیر تائونی) نیز وجود دارد."

وی به خبرنگار سوئدی می‌گوید "در حال حاضر اره‌دهیمتر آزاد کردن گروسین

از بیمارستان روانی است". وی که در خانه خود در مسکو با خبرنگار جرته ملاقات کرد اظهار داشت "یکی از رهبرانی که اولین بار برای ایجاد یک اتحادیه کارگری جدید تلاش کرد "ولادیمیر کلیانوف" نام دارد که اکنون مدت دو سال است در بیمارستان روانی "دنیروپتروفسک" واقع در اوکراین به سر می‌برد و همین روشها را نیز علیه او بکار می‌برند."

کواکین افزود "در جریان بازیهای المیک مامورین "ک.ک.ب" در حدود ۱۶۰ نفر از مخالفین دولت را دستگیر کردند. آنها را هم که دستگیر نکردند تحت پیگرد، تعقیب و تهدید قرار گرفتند و با آنها اخطار شد که سکو را ترک کنند. پلیس به سن اخطار کرد "اگر با خارجی‌ها تماس بگیری دستگیر میشوی". قبلاً نیز مامورین به من پیشنهاد کرده بودند که به خارج مهاجرت کنم."

افزایش نیروهای نظامی ویتنام در مرز تایلند

امبرالیسم شوروی مصمم است که به هر طریقی که امکان دارد کانون جنوب شرقی آسیا را فلوروی حکمفرمایی خویش سازد. پس از شکست نظامی اولین تجاوز ارتش ویتنام به مرزهای تایلند، ویتنام خود را برای تجاوز بعدی آماده کرده است. بطوری که هم‌اکنون قسمت اعظم نیروهای ۲۵۰ هزار نفری ویتنام در مرز تایلند مستقر میباشد. در نتیجه تایلند که در معرض تجاوز مجدد و امکان اشغال کشورش قرار دارد در صحنه بین‌المللی برای جلوگیری از این تجاوز فعال شده است. وزیر امور خارجه تایلند فرآست در این هفته بکشورهای اروپائی سفر نموده و مسائل جنوب شرقی آسیا را با رهبران اروپا در میان بگذارد. از آنجا وزیر امور خارجه تایلند به سازمان ملل می‌رود تا در نشست مجمع عمومی آن شرکت نماید. مجمع عمومی که در ماه آینده تشکیل جلسه میدهد در مورد دولت کامبوجیای دمکراتیک مجدداً تصمیم گیری خواهد نمود. در مهر ماه سال گذشته مجمع عمومی با رای ۷۱ به ۲۵ رژیم فائونی دمکراتیک کامبوج را به رسمیت شناخت و توسطه‌های ویتنام - روسیه - کوبا ماحصلی نتداد. در آبان ماه همان سال مجمع عمومی سازمان ملل با رای ۹۱ به ۲۱ طی تصویب قطعنامه‌ای از ویتنام خواست که نیروهای نظامی خود را از خاک کامبوج خارج کند. تایلند اعلام کرده است که وزیر امور - خارجه کشورش در طول سفرش به اروپا و سازمان ملل از کلیه کشورها میخواهد که در نشست ماه آینده سازمان ملل به رژیم فائونی کامبوجیای دمکراتیک رای دهند و اشغال کامبوج را محکوم نمایند.

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

مناشی: (دفتر تجرید را شغال یکی از مراکز خودکامه است).

نشانی بستی: تهران - صندوق بستی ۲۱۴ - ۱۴۰۱ منطقه بستی ۱۵

مناشی: (دفتر تجرید را شغال یکی از مراکز خودکامه است).

ما را در رفع مشکلات مالی یاری رسانید

کمکهای خود را به حساب بانکی زیر واریز نمائید:

بانک ملی ایران - تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۲۵۴۲۸

ما از تشکیلات انقلابی و غیر وابسته

و مدافع حقوق کارگران پشتیبانی میکنیم

یکی از هواداران "حزب رنجبران ایران" در تهران، با سه تن از کارگران ساختمانی که به کار "سقف زنی" اشتغال دارند گفتگویی انجام داده است که در زیر میخوانید:

سؤال: در مورد کار سقف زنی "کمی برای ماصحبت کنید.

جواب: کار سقف زنی که به ایتال (سقف ایتالیایی) معروف است، ابتدا به شرکتهای ساختمانی ارجاع میشود و آنجا که این شرکتها ما را کارگران را استخدام نمیکنند، این کار بعد از آنکه چند دست چرخید، بدست ما میرسد. روشن است که وقتی این کار چند دست بچرخد در هر دستی که چرخید، سودی عایدکننده تراحتی آن مینماید، وقتی بدست ما که کار اصلی را انجام میدهم میرسد فقط مزد خود را با جان کنندن بسیار میتوانیم بدست بیاوریم.

در باره مشکلات این کار، یکی از کارگران گفت: "یکسال قبل در شهر طیس برای شرکت ساختمانی "فونتانا" کار میکردم. در آن شرکت، نماینده کارفرما

از ما درخواست حق و حساب میکرد و می گفت که: "اگر میخواهید در اینجا کار کنید، باید ماهی دوهزار تومان بدهید!". من دهسال است که در این رشته کار میکنم و بعد از این مدت نه بیمه ام و نه میتوانم از بازنشستگی استفاده کنم. قبل از انقلاب و بعد از آن در هر شرکتی که کار میکردیم، بعد از سه ماهه بخاطر آنکه ما را بیمه نمیکند اخراجمان می کردند". یکی دیگر از کارگران دستهایش را نشان داد و گفت: "از صبح تا بحال آنقدر کار کرده ام که دستهایم بشدت درد میکنند و نمیتوانم غذا بخورم".

سؤال: درباره نقیصات و اوضاع فعلی نظرات شما چیست؟

جواب: قبل از انقلاب که از اوضاع دنیا خبری نداشتیم و هر چه کار میکردیم، سرمایه دارهای بزرگ میخوردند. بعد از انقلاب کمی از اوضاع و احوال با اطلاع شدیم. در هنگام قیام ۲۲ بهمن ما نیز سر آن شرکت داشتیم و امیدوار بودیم که به وعده های بی که داده میشد برسیم.

ولی دیدیم که اینطور نشد. حالا هم اگر یک تشکیلات صحیح و انقلابی که وابسته نباشد و بخوبی بتواند از حق ما دفاع کند، وجود داشته باشد، ما از آن پشتیبانی میکنیم.

سؤال: از این دولت چه انتظاراتی دارید؟

جواب: ما از دولت کار داریم مسکن، بیمه، و رفاه میخواهیم. ما از این دولت میخواهیم که استقلال و آزادی ایران را حفظ نماید. ما میخواهیم کشوری مستقل داشته باشیم که به هیچ کشوری چاه مریکا وجه شوری و چه هر کشور دیگری وابسته نباشد. ما میخواهیم حداقله داریم از دست آمریکا خلاص میشویم، بدست شوری بیافتیم. این شوری که از آمریکا هم بدتر است و نزدیک ما هم میباشد و مثل افغانستان، یک مرتبه میبینی که شب خوابی و صبح کودتا کرده و از ستار (که شهر خودمان نیز میباشد) و دیگر نقاط مرزی وارد میشوند.

منسب خودسوزی و مرگ جواد زجاجی را

محا کمه و مجازات کنید

منعکس گردید و در ادامه پیگیری نسبت به علل این خودسوزی و اجحافات مسئولین به کارگران شاغل در این استان، خبرنگار "رنجبر" با آقای علمدار عزیز یکی از زحمتکشانی که مدت ۱۰ سال در شاهچراغ کار کرده و او نیز مورد اجحاف شخص "شرفی" قرار گرفته و از کار بیکار شده است، گفتگویی

اخیرا سید علاالدین شرفی متولی و عضو هیئت امنای شاهچراغ شیراز، از طرف هیئت پاکسازی استان فارس مستقر در اداره اوقاف این استان از خدمت منفصل شده است.

دادستان انقلاب اسلامی شیراز نیز با صدور حکمی، نامبرده را ممنوع الخروج اعلام

به سزای اعمال خود نمی رسد؟ و چرا هیئت پاکسازی، فقط او را از خدمت منفصل کرده و به کشیدن خط و نشان برای او اکتفا می کند؟

کسی که به اظهار هیئت پاکسازی از بیت المال این ملت "برای تحکیم پایه های پوسیده نظام منور شاهنشاهی استفاده کرده

اخبار کارگری - دهقانی

سندیگای کارگران فلز کار و مکانیک

خواستار لغو ماده ۳۳

و جلوگیری از اخراج کارگران شد

سندیگای کارگران فلز کار و مکانیک تهران و حومه با انتشار بیانیه ای خواستار لغو ماده ۳۳ قانون کار و جلوگیری از اخراج کارگران به هر عنوان شد. در این بیانیه به اجحافات که از طرف کارفرمایان به کارگران کارگاههای کوچک صورت میگیرد اشاره شده و در این رابطه می نویسد:

"ازیرکت همین اوضاع در کارگاههای کوچک نه تنها دستمزدها را از طریق اخراج کارگران با سابقه و جانشین کردن کارگران کم سابقه یا شیبن آورده اند بلکه ساعات کار را نیز بصورت نامحدودی بالا برده اند. از اطفال کمتر از ۱۶ سال روزانه ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار می کشند و از بیمه و بهداشت در اکثر آنها خبری نیست".

سندیگای کارگران بافنده سوزنی:

لغو سود ویژه به نفع سرمایه داران است

سندیگای کارگران بافنده سوزنی تهران و حومه طی اطلاعیه ای به قوانین طاغوتی حاکم بر سر نوشت کارگران اعتراض کرده و لغو سود ویژه را به نفع سرمایه داران دانسته است. در این اطلاعیه پیشنهادی برای شرکت دادن کارگران در مسائل خاص کارگری و بهبود وضع کارگران نیز داده شده است.

اطلاعیه خواستار لغو قانون کار غوثی، شرکت نمایندگان واقعی کارگران در تدوین قانون کار جدید، ایجاد صندوق تأمین بیکاری برای کارگران بیکار، تعیین حداقل دستمزد ببحوی که کفای یک زندگی انسانی را بدهد، تأمین آوردن هزینه زندگی با کوتا کردن دست سرمایه داران وابسته تجار، واسطه ها، دلال ها و کنترل قیمتها با تأسیس شرکتهای تعاونی تولید و توزیع و رایگان کردن بیمه و درمان برای همه مردم بطور یکسان، شده است.

وزارت کار:

بررسی طرح جدید «قانون کار»!

وزارت کار و امور اجتماعی طی گزارشی در مورد فعالیتها و اوضاع وزارتخانه اعلام کرده: طرح جدید «قانون کار» توسط کمیته های ۸ گانه ای که در موسسه کار و امور اجتماعی تشکیل شده اند تحت بررسی است و پس از تهیه برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می گردد!

در میان مجاهدین شده این است که تشکیل گروههای مبارزه‌زمان بنا بکند بگردد، مثلا جمعیت مسلمانان افغانستان از زمان ظاهرشاه شروع بفعالیت کرده اند و بعضی از گروهها یک یا دو ماه بعد از حمله روسها به افغانستان تشکیل شده اند همین فاصله زمانی و عدم سازماندهی خوب و متشکل باعث این عدم هماهنگی است که نشان الله در دنیا له تلاشهای

برای رسیدن به این هدف، گروهها را تشکیل دادند و با کمک روسها و سایر دولتها، اقدامات گوناگونی را در جهت مبارزه با رژیم پهلوی انجام دادند. در این راستا، گروههای مختلفی تشکیل دادند و با همکاری و مساعدت دولتها، اقدامات گوناگونی را در جهت مبارزه با رژیم پهلوی انجام دادند. در این راستا، گروههای مختلفی تشکیل دادند و با همکاری و مساعدت دولتها، اقدامات گوناگونی را در جهت مبارزه با رژیم پهلوی انجام دادند.

در شرایطی که بیکاری و گرانی در جامعه ما بیدار میکند و علیرغم کلیه تلاشها و فعالیتهایی که در جهت جلوگیری از آن بعمل می‌آید، هنوز مشکل بزرگ بیکاری و گرانی لاینحل باقی مانده و روز بروز بار سنگین آن بر دوش مردم و بیش از همه بر کرده زحمتکشان و اقشار کم درآمد جامعه سنگینی میکند.

در شرایطی که بیکاری و گرانی در جامعه ما بیدار میکند و علیرغم کلیه تلاشها و فعالیتهایی که در جهت جلوگیری از آن بعمل می‌آید، هنوز مشکل بزرگ بیکاری و گرانی لاینحل باقی مانده و روز بروز بار سنگین آن بر دوش مردم و بیش از همه بر کرده زحمتکشان و اقشار کم درآمد جامعه سنگینی میکند.

در شرایطی که بیکاری و گرانی در جامعه ما بیدار میکند و علیرغم کلیه تلاشها و فعالیتهایی که در جهت جلوگیری از آن بعمل می‌آید، هنوز مشکل بزرگ بیکاری و گرانی لاینحل باقی مانده و روز بروز بار سنگین آن بر دوش مردم و بیش از همه بر کرده زحمتکشان و اقشار کم درآمد جامعه سنگینی میکند.

آقای غلامعلی شهرکی

نماینده مردم زابل

آقای غلامعلی شهرکی نماینده مردم زابل، علت تورم را در عدم موازنه بین عرضه و تقاضا تعریف کرد و افزود که هزینت رابطن بین این دو بهم بخورد تورم ایجاد خواهد شد. وی در مورد وضع بد زندگی زحمتکشان گفت:

در این اوضاع گرانی زندگی کارگرو کشاورز هم باید تأمین شود. بنظر من این زندگی آنها از طریق معنوی و مادی صورت نمیگیرد. با اینکه بعد مادی و رفاهی آنها رادر نظر نگیریم در زمینههای معنوی هم به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. اگر وضع زندگی خانواده یک کارگر حداقل تأمین بشود آن وقت میتواند حداقل ۲ ساعت از روزش رابه آموزش معنوی بگذارد. فرزند یک مستضعف هم میخواهد از مدرسه، بهداشت و غذای کافی استفاده کند. چه دلیلی دارد که بچه آن ورور و یا آن رئیس و یا فرزندان ما از میوه استفاده کنند ولی فرزندان مستضعفین نکنند. اگر میخواهیم که انقلاب تداوم پیدا بکند و ایران از سلطه بیگانگان بیرون بیاید باید به مستضعفین درازا کارشان حقوق داد و وضع بد آنها رسیدگی نمود.

آقای شهرکی در مورد جلوگیری از گرانی و بیکاری چنین اظهار داشت: ما باید در جامعه یک زیربنای اقتصادی بسازیم و برطبق خواست جامعه ایجاد بکنیم و باید به توده مردم تکیه داشته باشیم. باید یک برنامه اقتصادی اسلامی صحیح دراز مدت و کوتاه مدت تدوین بکنیم باید هرچه زودتر

در سراسر مملکت یک آرامش و امنیت برقرار کرد. باید این مراکز متعدد تصمیم گیری یک کاسه بشوند و برطبق قانون اساسی و خواست مردم حرکت بکنیم. حالا که یک رهبری فاطح و یک رئیس جمهور محبوب داریم، نخست وزیر هم که انتخاب شده است کابینه هم تا آینده نزدیک تشکیل میشود. بنابراین دیگر دلیلی ندارد که مراکز قدرت بیایند و کارهای اجرائی را طغ بکنند. از افرادی که در این وسط موش میدوانند باید جلوگیری بشود. یکی از دلایل گرانی و بیکاری همین هرج و مرج و تداخل وظیفهها است. این بی نظمی در بالا رفتن قیمتها تاثیر زیادی دارد و هیچ کنترلی در توزیع کالا و قیمتها وجود ندارد. باید تمام مسئولین طبق دستور رهبر و قانون اساسی عمل بکنند. یکی از دلایل دیگر گرانی و بیکاری هم مسئله تحریم اقتصادی است که اگر ما بتوانیم در مسائل بالا به درستی عمل بکنیم بحرفی میتوانیم با تحریم اقتصادی هم مبارزه بنمائیم.

آقای کاظم بجنوردی

نماینده مردم تهران

آقای کاظم بجنوردی نماینده مردم تهران در مورد مبارزه با گرانی و بیکاری به چهار عنصر افزایش تولید، قیمت گذاری برای اجناس، ایجاد سازمانهای تعاونی مصرف در سطح کشور و ملی کردن بازرگانی خارجی و قطع دست واسطهها از بازار اشاره کرد و افزود که دولت خود میتواند کنترل قیمتها و مقدار عرضه کالا را بدست بگیرد و فروشندگان کوچک و خرده یا هم می توانند کالایشان را از این سازمانهای تعاونی مصرف تهیه کنند.

از طرف دیگر برای رفع بیکاری باید صنایع سنگین را پی ریزی بکنیم و با ایجاد این صنایع صنعتیهای حسی هم به فعالیت می افتد و نیروی کار عظیمی را جذب خواهد کرد که زمینه عینی برای رهائی از سلطه امپریالیزم تحق پیدا میکند.

وی همچنین در مورد تأمین صنایع سنگین افزود که باید از تکنولوژی در سطح باین بری در جامعه استفاده بکنیم تا بتوانیم قسمت اعظم آنرا در داخل کشور تأمین بکنیم. باید از صنایع ساده که تقاضای کار بیشتری برای کارگران میکند استفاده بکنیم. همین صنایع موجود را پی ریزی بدون وابستگی بکار بیاندازیم تا هم تولید را افزایش بدهیم و هم از بیکاری جلوگیری بکنیم.

آقای کاظم بجنوردی در جواب به این سؤال که این صنایع سنگین را از چه کشور هائی تهیه بکنیم، ضمن تاکید بر عدم وابستگی افزود که پی ریزی این صنایع نباید از یک کشور و یا از یک بلوک خاصی باشد، و

متضعفین می توانند در برابر ابرار قدرتها ایستادگی کنند و این خود یک هشدار ریودیه تا ریخ و افزود: پس چه الگوئی بهتر از این انقلاب است؟ میتوانند ما را به سر منزل مقصود برسانند. انقلاب اسلامی ایران این حقیقت را به همه جهان فهماند که خودشان با بیدار نشدن خود را تعیین کنند. و اردوگاههای دوا بر قدرت نمیتوانند در برابر حرق ایستادگی کنند.

انتخابات آمریکا نیز شرایط را برای فشا بر ایران فرا همیسم کرده است. تبلیغات زهر آگین امپریالیسم آمریکا علیه ایران اثرات بدی بر مردم بویژه جوانان آمریکا گذاشته است. هیئت حاکمه آمریکا کم کم خود را از کا باکوس ویتنام و واک ترکیت رها میکنند، سعی میکنند با این تبلیغات لزوم یک عمل نظامی علیه ایران

نظر عده ای از نمایندگان مجلس در باره راههای مبارزه با بیکاری و گرانی

وی افزود که مسئولین ما هم میبایست متناسب با روح انقلاب عمل میکردند چونکه تداوم انقلاب با اقدامات انقلابی می تواند تحقق پیدا کند. بنابراین وقتیکه مسئولین امور بطور آگاهانه و یا نا آگاهانه در مسیر عکس آن حرکت کردند با توجه به ناسامانیهای ناشی از هر انقلابی مسئله گرانی و بیکاری شدت هم پیدا میکند.

نیاید وابسته به تکنولوژی غرب و یا شرق بشویم. بلکه باید برای استقرار صنایع مادر و کلیدی از هرجا که بتوانیم تهیه بکنیم به شرطی که به ما چیزی تحمیل نشود و به استقلال سیاسی و اقتصادی کشور ما لطمه ای وارد نگردد. البته ما با یک سری از کشورها مثل آمریکا، اسرائیل و غیره در حال مبارزه هستیم و با روسیه هم در مورد اشغال افغانستان یک تضاد خاصی پیدا کرده ایم. بهر حال ما میخواهیم که کشورهای جهان سوم و غیر متعهد در کنار ما باشند و دوران سلطه امپریالیسم شرق و غرب بتوانیم به پیروی از سیاست اسلامی جمهوریمان به مستضعفان جهان کمک بنمائیم.

آقای رضا اصفهانی

نماینده مردم ورامین

آقای رضا اصفهانی نماینده مردم ورامین ضمن تأکید وجود گرانی و بیکاری در مورد علل آن چنین اظهار داشت: " بعد از هر انقلاب باید ریشهها و پایه های ضد آن انقلاب را نابود کرد. در این صورت خواه با خواه مشکلات مادی و معنوی که بر سر راه آن انقلاب وجود دارد از بین خواهند رفت. بنابراین چنانچه به محو کردن ریشههای مشکلات نپردازیم ولی به مسائل ظاهری و چشم گیر که در واقع بی محتوا هستند اکتفا بکنیم وضع بدین منوال ادامه پیدا خواهد کرد.

بنظر ما ۴ گروه فئودالیزم، سرمایه داری، مشکلات داری و فرصت طلبی های عده ای از مقام پرستان منشاء اساسی ناسامانیها بوده اند که میبایست با آنها مبارزه کرد.

آقای رضا اصفهانی در جواب به این سؤال که در کوتاه مدت برای جلوگیری از مشکل گرانی و بیکاری چگونه باید عمل کرد، ضمن تاکید بر ایجاد زمینه کار و باین آوردن قیمتها افزود، در جامعه ما این همه منابع طبیعی موجود است و باید با توسعه راه سازی و معادن و ایجاد کار در زمینههای کشاورزی و صنعتی بهر دازیم و بجای اینکه در بولها صرف مسائل دیگری بشود باید در جامعه کار ایجاد نمود و بیکاران را جذب کرد. در حال حاضر یک سوم از امکانات زمینی بهره برداری میشود و میتوان توسعه داد و با ایجاد زمینه های کار تولیدی، مقدار کالا افزایش می یابد و جلوی این گرانی سرام آور گرفته میشود.

وی در پاسخ بسؤال دیگری همچنین افزود، باید دستمزد و حقوقها را نسبت به قیمت اجناس و سطح زندگی همگون کرد. کارگر و یا کارمندی که مجبور است مواد اولیه زندگی خود را به قیمت ۲-۳ برابر قیمت سال پیش بخرد آنوقت خواهان اضافه حقوق میشود و این هم یک مشکل دیگری است. پس باید یک هماهنگی بین قیمتها و حقوق ایجاد نمود و با ایجاد تعاونیها و از طریق کمک مالی مواد اولیه ارزان برای مردم تهیه دید.

مغلا " برای مشاغل آزاد که بهره های گرانی هم می برند ولی هیچ مالیاتی هم وجود ندارد. باید از آن جلوگیری کرد. باید قیمتها را باین آورد و ما در سازمان برنامه بکنیم توزیع برای قلم از کالاهای اساسی زندگی مثل نان، برنج، گوشت، ماهی و غیره ایجاد کرده ایم که در آینده بتوانند با حداقل قیمت کالا به مردم عرضه بکنند. دولت باید جلوی احتکار را بگیرد."

مدن دوست اتحاد بجزرت مستضعفین بنا بر این بر تمام نیروهای اصیل اجتماع چه از اسلام مبارزه ماسی گرایبی مترقی و چه سوسیالیسم انقلابی است که با احترام گذاشتن به واقعیات، دست وحدت بسوی یکدیگر دراز کرده و این مسئولیت سنگین را که حفظ موجودیست و استقلال و آزادی خلقهای منطقه بآن بستگی دارد، با پیروزی بسر انجام ببرند.

آقای عزت الله سبحانی

نماینده مردم تهران

آقای عزت الله سبحانی نماینده مردم تهران و سرپرست سازمان برنامه و بودجه در مورد علل بیکاری و گرانی در کشور چنین اظهار داشت:

" بیکاری و گرانی موجود ناشی از انقلاب نیست بلکه از رژیم سابق به ارث رسیده است. در گذشته یک نوع رونق ظاهری بچشم می خورد و در بودجه سال ۱۳۵۷ هم دیده میشد. طرحها و برنامه های را که به قیمت گزاف پی ریزی شده بود در صورتی که از نظر نیروی کار ماهر و هماهنگی در امور امکان پیاده کردن آن وجود نداشت. به همین دلیل بحران و ورستنگی از زمان شاه شروع شده بود. پس از انقلاب این بحران خودش را نشان داد و طرحها خوابید. در بخش خصوصی سرمایه گذاری نشد و عده ای فرار کردند و با بار مشکلات را بگردن دولت انداختند که طرحهای عمرانی و کار های تولیدی خوابید. این امر بر بیکاری موجود شدت بخشید.

از سال ۱۳۵۲ یک اشتغال ظاهری در کشور ایجاد کرده بودند و با اینکه هیچ اقتصادی نبود ولی از پول باد آورده نفت فقط حقوق گزاف می دادند. دولت پس از انقلاب با این تورم در کارمند روبرو شد، با اینکه هزینه دولت بالا رفته بود ولی کار تولید و خدمات کمتر شد."

آقای عزت الله سبحانی در مورد جلوگیری از بیکاری و گرانی افزود: مسئله کار و تورم را باید باهم دیگر حل کنیم. هر قدر در زمینه های صنعتی و کشاورزی رشته های تولیدی بیشتری ایجاد بکنیم یعنی زمینه های تکیه نیروی کار بیشتری بطلبید، این نیروی کار خودش ارزش تولید میکند و باز یاد شدن کالا قیمتها باین می آید. از طرف دیگر هیچ کنترلی در توزیع، تجارت و کسب وجود ندارد و این امور از یک هرج و مرج و اغسار گسیختگی فوق العاده ای برخوردار است.

مغلا " برای مشاغل آزاد که بهره های گرانی هم می برند ولی هیچ مالیاتی هم وجود ندارد. باید از آن جلوگیری کرد. باید قیمتها را باین آورد و ما در سازمان برنامه بکنیم توزیع برای قلم از کالاهای اساسی زندگی مثل نان، برنج، گوشت، ماهی و غیره ایجاد کرده ایم که در آینده بتوانند با حداقل قیمت کالا به مردم عرضه بکنند. دولت باید جلوی احتکار را بگیرد."

سه مشخصه سوسیال امپریالیسم در مقایسه با امپریالیسم سرمایه

جامعه‌گفتاری روسیه زیر سلطه سوسیال فاشیسم است. این نظام تحت پرچم دروغین "سوسیالیسم" سه فاشیستی ترین وجهی هر نوع حرکت، مخالفت و انتقادی را از جانب کسان کارگران، دهقانان و تنزوه‌های دمکراتیک خلقی و ملیت‌های مختلف روسیه سرکوب می‌کند.

نظری سوسیال فاشیسم در خارج از روسیه بصورت سوسیال امپریالیسم است، بدین معنی گذر بی‌پوشش "سوسیالیسم" دست با شغال سرزمینهای دیگر، سرکوب جنبش‌های آزادیخواه و استعمار خلقها و ملل جهان میزند. بطور کلی سوسیال

امپریالیسم در مقابل سرمایه‌های امپریالیسم سنتی سرمایه‌داران سوسیالیست است.

۱- سرمایه انحصاری آن در عالیترین شکل (انحصار دولتی) متمرکز بوده و بورژوازی حاکم بر آن بورژوازی بوروکراتیک است.

۲- عقب ماندگی نسبی اقتصادی نسبت به سایر امپریالیسم‌ها در جهت انحصار متمرکز و این خود یکی از پایه‌های رشد و غلبه فاشیسم را تشکیل میدهد.

۳- موجودیت ماشین دیکتاتوری پرولناریا و مالکیت سوسیالیستی تمام خلق در مقابل از احیاء سرمایه‌داری

سه مشخصه سوسیال امپریالیسم در مقایسه با امپریالیسم سرمایه

پس از احیاء خود تبدیل شده و قدرت اقتصادی و سیاسی بورژوازی انحصاری را در واحدهای دولتی امتزاج کرده و از رشد آزادی‌های دمکراتیک بورژوازی جلوگیری و سوسیالیسم فاشیسم را با عت گردیده است.

با وجود اینکه امپریالیسم روسیه یک امپریالیسم تازه دوران رسیده و توتالیتر است، اما بورژوازی تازه دوران رسیده روسیه که تنها پیکر سرمایه‌های مالی این کشور است یک طبقه جوان محسوب نمیشود، زیرا سرمایه‌های این کشور در جهت انحصار متمرکز و این خود یکی از پایه‌های رشد و غلبه فاشیسم را تشکیل میدهد.

۳- موجودیت ماشین دیکتاتوری پرولناریا و مالکیت سوسیالیستی تمام خلق در مقابل از احیاء سرمایه‌داری

پس از احیاء خود تبدیل شده و قدرت اقتصادی و سیاسی بورژوازی انحصاری را در واحدهای دولتی امتزاج کرده و از رشد آزادی‌های دمکراتیک بورژوازی جلوگیری و سوسیالیسم فاشیسم را با عت گردیده است.

با وجود اینکه امپریالیسم روسیه یک امپریالیسم تازه دوران رسیده و توتالیتر است، اما بورژوازی تازه دوران رسیده روسیه که تنها پیکر سرمایه‌های مالی این کشور است یک طبقه جوان محسوب نمیشود، زیرا سرمایه‌های این کشور در جهت انحصار متمرکز و این خود یکی از پایه‌های رشد و غلبه فاشیسم را تشکیل میدهد.

۳- موجودیت ماشین دیکتاتوری پرولناریا و مالکیت سوسیالیستی تمام خلق در مقابل از احیاء سرمایه‌داری

رویدادهای اقتصادی

وابستگی صنایع کشور و راههای خروج از آن (۱)

صنایع وابسته کشور راه‌حلهای جدی و قاطع می‌طلبند

انقلاب ایران حاکمیت سیاسی مزدوران امپریالیسم را در مهین ما برانداخت. یادگارهای شوم ناشی از سالها حکومت ویرانگر این مهین فروشان به اندازه‌ای است که حتی اگر تمامی عوامل ملی برای زود بودن این آثار بسیج شوند باز سالها طول می‌کشد تا بتوان زیر بنای سالی برای اقتصاد ملی کشور بوجود آورد. سرمایه‌های جهانی یا بکارگیری تمامی امکاناتش تا آنجا که توانست کشور ما را غارت کرد و ثروتهای جز فقر، محرومیت، عقب‌ماندگی و خرابی باقی نگذاشت.

غارنگران جهانی به‌همراه مزدوران و عوامل داخلی خود، که اهرم اصلی اعمال حاکمیتشان سرمایه‌داری بورکراتیک وابسته بود، ساختن اقتصاد میهن ما را بر مبنای رشد و توسعه نهادهای وابسته، گسترش حوزه‌های نفوذ و کسب سود خود و تخریب و تضعیف بنیادهای تولید و اقتصاد ملی کشور معماری می‌کردند. نتیجه این امر کاهش مداوم نرخ سود در حوزه‌های فعالیت اقتصاد ملی و غیروابسته و افزایش حجم "ما فوق سود"های غارت شده بوسیله سرمایه‌های جهانی و بخصوص جهان‌خواران امریکائی بود. اکثریت عظیم ملت سال به سال و روز بروز بسوی فقر و ورشکستگی میرفت و مشتی اقلیت وابسته و مزدور به‌ثروت اندوزی مشغول بودند.

انقلاب ایران با روی کار آوردن یک حکومت ملی، شرایط سیاسی لازم را برای رشد اقتصاد ملی، مبارزه با وابستگی و گام گذاردن در راه کسب استقلال اقتصادی فراهم نمود. اما برای رسیدن به چنین اهدافی باید برنامه‌ای دقیق و پیگیر را اجرا نمود، زیرا در غیر این صورت هدف ملی بودن حکومت، بدون برنامه‌ای همه جانبه قادر به حل معضلات اقتصادی کشور نیست. ما در زیر به بررسی وضع یکی از نهادهای اقتصادی تحت حاکمیت سرمایه‌داری وابسته پرداخته و نشان خواهیم داد چه گامهای اساسی برای قطع وابستگی‌های آن باید برداشته شود.

شرکت قند کرمانشاه

شرکت قند کرمانشاه در سال ۱۳۴۲ تاسیس شده است. موضوع فعالیت شرکت، تولید شکر و مواد قندی از چغندر قند و تولید خوراکی دام از تقاله چغندر است. این کارخانه با بکارگیری ۳۰۰ هزار تن چغندر قند در جریان ۱۰۰ روز کار سالانه ۴۵ هزار تن شکر و ۳۰ هزار تن قند (۱۵٪ تولید کل کشور از ۳۴ کارخانه) تولید می‌کند. چغندرکاری که با این شرکت قرار داد دارند با اینکه ۱۲ هزار هکتار زمین زیر کشت دارند قادر به تولید بیش از ۳۸ درصد چغندر قند مورد نیاز کارخانه نیستند.

بنا به گزارشهای منتشر شده از سوی "بورس اوراق بهادار تهران" سرمایه پرداخت شده این شرکت ۶۶۸ میلیون ریال بود که از این مقدار ۲۳٪ آن متعلق به شرکت سالزکیتز آلمانی غربی و بقیه متعلق به ایرانیان بوده است. سهام این شرکت میان ۲۸۰۰ سهامدار تقسیم شده که تنها ۲۵٪ آن متعلق با فراد معمولی است و بقیه در اختیار سرمایه‌داران وابسته و نهادهای بوروکراتیک کمپرا دور قرار داشت. بطور کلی توزیع سهام این شرکت چنین بود:

شرکت سالزکیتز آلمانی غربی: ۲۷٪
 بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران: ۸٪ - در این بانک ۱۵/۳ سهام خارجی وجود دارد و گردانندگان آن کسانی چون شریف امامی، ابوالقاسم خردچو، حبیب ثابت، یوسف خوش‌کیش، محمد تقی برخوردار و... بودند.
 بانک جیس مانهاتان امریکائی ۴ میلیون دلار به این شرکت وام داده است. در ضمن بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران و بانک توسعه سرمایه‌گذارانهای کوچک نیز به ترتیب ۵۰ و ۱۲۰ میلیون ریال به این شرکت وام پرداخت کرده‌اند. تمامی این وامها در مقابل وثیقه‌های معتبر و نرخ بهره‌های بسیار بالا پرداخت شده است.
 خرید ماشین‌آلات، لوازم یدکی دیگر مواد اولیه مانند مواد شیمیائی و تعمیر ماشینها از طریق شرکت آلمانی انجام میشده است. حتی کونینهای مورد مصرف این کارخانه از بنگلادش وارد میشده و میشود.

شیوه‌های چپاول

با نگاهی به توزیع سهام و مدیریت سابق شرکت در می‌یابیم که بخش اعظم سرمایه شرکت

امروزه در روسیه به سبک آلمان هیترلی بین ازهرار اردوگاه کا را جباری داشته است که در آنجا بیش از یک میلیون، که اکثر آنها کارگران مبارز کمونیست و دموکرات و میهن پرست تشکیل میدهد به بیگاری مشغولند. صدها هزار نفر از مخالفین نیز در اینجا رستاهای روانی یوحسنا نه‌ترین وجهی شکنجه میشوند.

در حال حاضر تعداد زندانیان سیاسی در روسیه بیش از دوران روسیه تزاری (تزارهای کهن) است. در اردوگاهها و زندانها از فاشیستی ترین شیوه‌های شکنجه مانند گرسنگی، کمبود آب، کمبود نور، زندانیان برای شکستن روحیه مقاومت آنان استفاده میشود. ما مورس زندانیان را با خط‌میر کوچکترین تخلفی به "سلول مجازات" کوچک و نمناک می‌اندازند یا آنها را با لباس مخصوص زندانیان میپوشانند و جیره غذایی آنها را به حد قابل ممکن و نزدیک به مرگ یا شین می‌آورند. ما مورس ک. گ. با زوحسنا نه‌ترین شیوه‌ها ما بند ضرب و شتم و انداختن سنگ بجان زندانیان استفاده میکنند و با آنها را در هوا آزاد ۳۰ تا ۴۰ درجه زیر صفر رخت کرده و در حیات اردوگاه نگاه میدارند. عده‌ای زندانیان سیاسی می‌نویسند "در اردوگاه هر شیوه‌ای که بکار گرفته میشود یک هدف را دنبال میکنند و آن شکستن اراده فرد و مجبور کردن او به تسلیم است. تمام نهاد اردوگاه هدفش تغییر انسانها به حیواناتی وحشت زده و مطیع است ولی خلقهای قهرمان شوری در مقابل این ستمگرها و وحشیگرها ایستادند. ستمگرها در مقابل ستمگرها ایستادند. ستمگرها در مقابل ستمگرها ایستادند. ستمگرها در مقابل ستمگرها ایستادند.

حزب کمونیست برمه: یک راهپیمائی طولانی و پیروزمند

سنگین که سسته به گزارشهای مختلف بین ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تن بوده است مجبور به عقب نشینی شدند. بگفته منابع مطلع نظامی نیروهای دولتی قاندر به اردن چریکها از مناطق پانجا می شده و آنها با شکست روبرو شدند.

از ماه آوریل امسال چریکهای کمونیست دست بیک تعرض و پیشروی زده و مناطق پانجا می و زیر نفوذ خود را بط و گسترش دادند. در این تعرض رزمندگان کمونیست به پانجا میها و مناطق آزاد شده بین رودخانه "سالوین" و مرز چین زد. گرج چاد این تنها جم تلفاتی زیاد بود جنگجویان کمونیست وارد آنجا و نیروهای مهاجم با دادن تلفات

ترین سطح خود رسیده است، مرکز این عملیات ایالت "شان" که هم مرز ایالت "یونان" چین است می باشد. تعداد چریک‌های تمام وقت به ۱۴ هزار تخمین زده میشود که دو برابر تعداد چریک‌های کمونیست نسبت سال ۱۹۷۵ است.

در ماه نوامبر امسال پیش‌ارشی دولتی برمه جهت سرکوب رزمندگان کمونیست و تصرف مناطق زیر کنترل آنها دست بیک تنها جم همه جانبه علیه پانجا میها و مناطق آزاد شده بین رودخانه "سالوین" و مرز چین زد. گرج چاد این تنها جم تلفاتی زیاد بود جنگجویان کمونیست وارد آنجا و نیروهای مهاجم با دادن تلفات

در سوم آوریل ۱۲ هزار نفر از رزمندگان کمونیست شمرده هزار نفری "مو - سه" را که در شمال ایالت "شان" قرار دارد تصرف در آورده و برای مدت دراز در دست خود داشتند در چهارم ژوئیه ارتش آزادیبخش

اخیرا یکی از خبرنگاران خارجی بنام "هتری کام" از رانگون دیدن کرده و ضمن گزارشی از برمه بگفته پیروزی‌ها و پیشرفت‌های چشمگیر حزب کمونیست برمه و ارتش زیر سر فرماندهی ایشان کرده است.

حزب کمونیست برمه که در ایالت سوابی طولانی مبارزه علیه امپریالیسم و عوامل سرسپرده اش در برمه می‌باشد علی رغم شرایط مساعد، دشواری و بخرنج نتوانسته است حملات نامرود کننده دشمن را دفع، مواضع خود را حفظ و مناطق زیر نفوذ خود را بسط و گسترش دهد.

در زیر بخش‌هایی از گزارش ما مبرده را بخاطر آشنائی خوانندگان با حزب کمونیست برمه در چمی کنیم: عملیات جنگی چریکهای کمونیست در ماههای اخیر به عالی



اسرائیل بدون پشتیبانی آمریکا قادر به ادامه حیات نیست

در راست کمپوزیتهای که از استخوان نظامی و مالی آمریکا بهره میبردند، رژیم صهیونیستی اسرائیل در صدر قرار دارد. از سال ۱۳۵۶ کمکهای امپریالیسم آمریکا به اسرائیل همواره از ۲ میلیارد دلار بیشتر بوده است. نوزدهم سپتامبر در اقتصاد بیمار اسرائیل و مخارج نظامی چند میلیارد دلاری مطمئناً احتیاج به وامهای کلانی نیز دارد. در سال ۱۳۵۶ کمک آمریکا به اسرائیل ۱/۷۹ میلیارد دلار بوده است که از این مقدار یک میلیارد دلار آن بابت کمک نظامی و مابقی کمکهای اقتصادی بوده است. در سال ۱۳۵۸ اسرائیل بالاترین وام درخواستی خود را به وزارت امور خارجه آمریکا پیشنهاد نمود - ۳/۴۵ میلیارد دلار. امسال دولت کارتر به درخواست اضطراری وزیر دفاع اسرائیل و ایزنم جواب مثبت داد و ۲۰۰ میلیون دلار نیز به رقم درخواستی اضافه نمود. گنگره آمریکا نیز ۲۰۰ میلیون دلار دیگر به وام درخواستی اضافه نمود که در نتیجه اسرائیل ۱/۴ میلیارد دلار کمک نظامی و ۸۷۵ میلیون دلار کمک اقتصادی از آمریکا دریافت کرد. جدا از وامهای دریافتی سالیانه، پس از انجام مذاکرات کمپ دیویید در سال گذشته گنگره آمریکا یک و ۲/۸ میلیاردی برای ساختن فرودگاههای نظامی در صحرای نکو و نیروهای نظامی اسرائیل مستقر در صحرای سینا تصویب نمود. از هم اکنون دولت مناخیم بکین در فکر وام سال آینده میباشد. قرار است در این هفته اسرائیل از طریق وزیر امور مالی خوین که هم اکنون در واشنگتن بسر میبرد تقاضای یک وام ۲/۹ میلیارد دلاری را به ادنوسد ماسکی وزیر امور خارجه آمریکا پیشنهاد نماید که مطمئناً از طرف گنگره آمریکا بتصویب خواهد رسید.

ماه رمضان : ماه خون و شمشیر در افغانستان

طبق گزارشان حزب اسلامی افغانستان بیش از ۳۰ جنگنده و هلیکوپتر روسی به تجمع مردم مسلمان افغانی در ایالت ورداک در جنوب کابل حمله ور شدند و بیش از صدها نفر را کشته و سربازان روسی را کشتند. در اثر بمبارانهای متوالی ۲۲ دهکده نیز نابود گردید. از طرف دیگر مجاهدین افغانی موفق شدند یک روحانی نمای پاکستانی را که طرفدار سرخوت روسیه میباشد و در هفت سال گذشته در افغانستان بسر می برده است، ترور نمایند. "آیت اله سواتی" از رهبران حزب عوامی پاکستان بوده و در شهر فندهار در نزدیکی مرز افغانستان و پاکستان فعالیت مینموده است.

شورش در ارتش لیبی

دبیلجاتهای عرب و کشورهای عربی معین کارابلانکا در مراکش اطلاع میدهند که گردان نهم ارتش لیبی که در شهر مزی "نوبروک" مستقراند در اوائل اوت علیه دولت سر به شورش برداشته اند. بر اساس همین گزارش نیروهای وفادار به دولت فدائی یادگان نوبروک را محاصره کرده و پس از نبرد سختی که منجر به کشته شدن چند صد نفر گردید شورش سرکوب میشود. نوبروک در مرز لیبی و مصر واقع شده است. همین محافل علت شورش را عدم شرکت دولت لیبی در "سنت" کفیته اسلامی بیت المقدس" که در کارابلانکا (تراکی) برگزار شد می دانند. گزارش کارش های رسیده کارسان نظامی آلمان شرقی در این سرکوبی نقش موثری داشتند. در حال حاضر بیش از هزار کارشناس نظامی روسی و آلمان شرقی در ارتش لیبی امور اسبسی و آموزشی بکار بردن سلاحهای روسی به پرسنل ارتش لیبی را بعهده دارند. یکی از مخالفین دولت لیبی در باریس در مصاحبه با مجله فرانسوی "باری ماچ" اظهار داشت: سرهنگ فدائی لیبی را به ورطه شکی گمانده است و اخیراً برای جبران ناراحتی های مالی طبقه متوسط را بر سر گذاشته تا از آنها پول دریافت کند. لازم به یادآوری است که قسمت مهمی از درآمد ملی لیبی صرف خرید سلاح های مدرن حتی از خارج بویژه ایتردرت روس و امارات میشود.

مدارا جوئی انحصارات سرمایه داری فرانسه و آلمان

ناره اروپا را خطر تجاوز نیروهای نظامی شوروی و بیمان ورسو تهدید میکند. ولی برخی از انحصارات سرمایه داری اروپا باین واقعیت بزرگ اهمیت نمیدهند و بعقل منافع کوتاه مدت اقتصادی خویش با سرمایه گذاری در رشتههای صنایع سنگین در شوروی، مابین عظیم جنگی شوروی را تقویت می کنند. پس از تجاوز نظامی شوروی به افغانستان آن محافل سرمایه داری اروپا و آمریکا که با اهداف توسعه طلبانه شوروی در جهان بی برده بودند به منظور جلوگیری از پیشرفت نظامی شوروی تصمیم به محدود نمودن روابط اقتصادی با شوروی را در برخی از رشتهها گرفتند. این تصمیمات در نشستهای گوناگون بازار مشترک اروپا و هفت کشور اقتصادی غرب در ماههای گذشته نتبیب شد. اخیراً وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که دو شرکت فرانسوی و آلمانی برخلاف تصمیمات مشترک اروپا و آمریکا در حال انجام مذاکرات با مقامات شوروی در مورد تأسیس یک کارخانه آلومینیوم سازی در سبیری میباشد. شرکت آلمانی به نام کلتوک و سرگای یک هیئت کارشناسی به شوروی اعزام نموده است. این پروژه که مشترکاً از طرف دو شرکت به پیش برده خواهد شد بیش از یک میلیارد دلار ارزیابی شده است.

با ونگ" واقع در شرق شان "بصرف" در آوردن این شهر را مدت سه روز در اختیار داشت. حزب کمونیست و چریکهای تحت فرماندهی اش از موثرترین نیرومندترین نیروهای نیروها و گروههای چریکی در برمه است. احزاب کمونیست کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیا در طی سالیان دراز مبارزه بخاطر استقلال و رها نشی مپهن خویش از یوغ امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم تجارگرانهها و گرانقدری کسب کرده اند و بدون شک با جمع بندی از این تجارب غنی درسهای آینده پیروزی های با ز هم پیشتر و چشم گیری در انتظارشان خواهد بود. نقش تعیین کننده این احزاب در حفظ صلح و امنیت منطقه و سد کردن تهاجم و توسعه طلبی امپریالیسم نو خاسته روس و شرقی و کوچکترش ویتنام در سالهای اخیر دو چندان شده است.

رفجبر و خوانندگان

نشانی پستی «رفجبر»: تهران - صندوق پستی ۳۱۲ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵

نامه يك كارگر به رفجبر درباره لغو سود ویژه

جناب آقای رئیس جمعیس نعمت زاده وزیر - - - - - کارگر و اموزاجتصاصی در تصدی شما شورای انقلاب دوبا ریختن ماه گردیده کارگران هم مانند کارمندان در هفته ۴۰ ساعت کار میکنند شما بلافاصله اعلام کردید که این بخشها فقط منحصر به کارگران دولت می باشد در صورتیکه کارگران در صنایع کوچکترین صنایع در دنیا مدگه طبقه مستضعف و کارگر قادر به تحمل این کرانی نیست. سگارد در صدد کارگران شد کوچکترین اهمیتی ندادید. گوشت دویست و هشتاد درصد کالا را با اندازه ۵۵ الی ۶۰ درصد افزایش دادیم طبقه کارگران را رگوماد ۳۳ درصد تون کار شد کوچکترین اعتضای به خواست آنها ندادید و عملاً و علناً ثابت کردید که خواستار منافع کارگران نیستید و هر دفعه از بی اعتضای شما سوال شد در پیام جریهای گفتید و حرفهای زدید که دروغی هیچ عطا ری پیدا نمی توان کرد. و اکنون هم کار را با جانی رسانیده اند که حقوق حقه کارگران که اساساً سود ویژه بود خط بطلان کشیدی بدانند و آنگاه با شما کارگران هرگز از حق تا نونی خود چیزی بوسی نگردید و با این عمل شما سنیاتان را سه کارگر حرف چین - اکبر

در دست سرمایه داری بورژوازی و بیست و یک - - - - - امکانات دولتی برای کسب سود هر چه بیشتر و انتقال آن به صندوقهای سرمایه مالی جهانی استفاده میکرده است. خارجیهایی که مستقیم و غیرمستقیم از شرکت سرمایه گذاری کرده بودند بوسایل گوناگون دسترنج کارگران شرکت وزارت معن جفندر کار را می ربودند. شرکت آلمانی، سهامدار کارخانه، که کلیه خریدهای خارجی و تعمیر ماشین آلات را انجام میداد، به راحتی با حسابهای و دلایلهای مارا می جایید. اگر توجه کنیم که این شرکت تنها ۲۳٪ سهام را در اختیار داشت، میتوانیم براحتی نتیجه بگیریم که این مقدار سرمایه گذاری اساساً برای کسب سود بود بلکه برای کسب مجوز برای منحصرد کردن خریدهای کارخانه و درآمدهای باد آورده و بی حساب و کتاب ناشی از حسابهای و حق دلایلهای میباشند. شرکت آلمانی ۲۲/۵ میلیون ریال سهام خریداری کرده و ۵۰ میلیون ریال در مقابل از ایران خارج کرده است. بدون شک این مقدار درآمد کفاف نیازهای آزمندانه جهانخواران آلمانی را نمیداد و همانطور که گفتیم سود مورد نظر شرکت آلمانی با توسل به انگلیسترین راهها تا مابین میشده است.

دولت سالانه یک میلیارد تومان سوسید برای قند و شکر مصرف داخلی که از خارج وارد میشد میپرداخت. چرا که تولیدات داخلی از ۵۷۵ هزار تن تجاوز نمیکرد و دولت مجبور بود برای تأمین کسری سالانه ۶۰۰ هزار تن نیز از بازارهای امپریالیستی قند و شکر خریداری کند. در همین حال کارخانههای قند مانند شرکت قند کرمانشاه بخش نسبتاً مهمی از منابع مالیشان از طریق وامهای خارجی تأمین میشد. روشن است که این امر هیچ هدفی جز تأمین منافع جهانخواران نداشته است. زیرا دولت شاه مخصوصاً در سالهای آخر هر چه کم داشت، پول کم نداشت! در نتیجه بخاطر کنترل و سلطه سرمایه مالی جهانی و بورژوازی کمربادور بورکراتیک بر اصلی ترین رشتههای تولید داخلی، هیچگاه این تولیدات از حد معین تجاوز نمی کردند و دولت مجبور بود هر ساله مقدار زیادی از ثروت کشور را برای خرید کالاهایی که براحتی امکان تولیدشان در داخل بود سربازد.

- ۱- بدون شک اینگونه موسسات برای افزایش هر چه بیشتر سود خود، با استفاده از امکانات دولتی، وسایل تولید مورد نیاز خود را به ارزانهترین قیمت خریداری می کردند. کارخانههایی مانند قند کرمانشاه برای اینکه مثلاً قیمت جفندر قند صرفیشان به حداقل برسد، براحتی میتوانستند بوسیله پیوندهای عمیقشان با نهادهای دولتی، نرخ سالانه خرید جفندر قند را به اندازه های نگهدارند که حداکثر سود را برایشان به همراه بیاورد. بی شک این امر موجب فقر و ورشکستگی کشاورزان و جفندر کاران کوچک و متوسط میشد و آنها مجبور بودند هرساله از تولید خود بکاهند.
- ۲- مطابق آمار بانک مرکزی ایران تولید جفندر قند در سال ۱۳۵۶ نسبت به سال ماقبل ۲۰٪ کاهش داشت و در سال ۵۷ نیز کشور با کاهش تولیدی معادل ۱۲٪ نسبت به سال ۵۶ روبرو بود. علت این سیر بازگشتی و این عقب ماندگی آیا چیزی میتوانست باشد بجز اختناق و سلطه فرآینده سرمایه مالی جهانی و قید و بندهای ناشی از ستم و کنترل بورژوازی بورکراتیک وابسته؟
- دولت میتواند و باید بطور جدی برای ملی کردن این صنعت بر اساس تأمین منابع زحمتگسان اقدام کند. با توجه به روانشناسی مصرف در ایران، امکان صرفه جویی قند و شکر در ایران بسیار ناچیز است، در نتیجه توجه به صنایع قند و شکر، قطع وابستگی آنها و بکار گرفتن این واحدها در خدمت توسعه اقتصادی ملی اهمیت فراوانی می یابد. بطور کلی دولت باید دست به اقدامات زیر برای دگرگونی در وضع جفندر کاران و صنایع قند و شکر، بخصوص شرکت مورد بحث ما، بزند.
- ۱- تأمین منافع کشاورزان جفندر کار بوسیله تعیین بهای مناسب و تضمین خرید محصولاتشان با این قیمت تأمین امکانات مالی رفنی گوناگون برای توسعه کشت و برداشت جفندر، زیرا که بدون دگرگونی در وضع کشت جفندر کاران دگرگونی در صنایع قند و شکر امکان پذیر نیست.
- ۲- مصادره سرمایه های وابسته و تأمین حاکمیت مدیریت و سرمایه ملی بر کارخانه های قند، در صورت براه افتادن این واحدهای تولیدی بر اساس منافع ملی، تهیه مواد اولیه، ماشین آلات و غیره هیچگونه مشکلی را برای کشور پدید نمی آورد، بشرط اینکه سیاست درستی بر بازارگانی خارجی ایران حاکم باشد. یعنی در مناسبات با خارجیهها از موضع استقلال بهنجیم وحدت با جهان سوم، جلب جهان دوم برای استفاده صحیح از امکانات فنی و تکنولوژیکی شان در خدمت صنایع ملی و انفراد هر چه بیشتر دو ابر قدرت بپردازیم.
- ۳- دولت باید با مطالعه در صنایع قند و شکر برنامه مناسبی برای تولید مواد شیمیایی و دیگر مواد اولیه مورد نیاز این صنایع در ایران تهیه و اجرا کند.

درسهای ۲۸ مرداد

بقیه از صفحه اول

انحصار طلبان که دست از انحصار طلبی بردارند، اینقدر دریا تنگ نظری به وحدت خلق طمعه نزنند، خودها را از انقلاب و رهبری برانند، لفاظی و انقلابی نمائی نکنند و به شوروی شجارت و زگردل خوش نندارند. انحصار طلبان اگر بخوانند درسهای ۲۸ مرداد را تسلیم کنند و ول با بد خود همدار بگیرند و خود را تصحیح کنند.

سکوت هفته گذشته انحصار طلبان نشان میدهد که آنها قصد تصحیح خود را ندارند. اما بدون شک مردم ما درسهای ۲۸ مرداد را میدانند و با ابعای دشمن تاریخ خود را از زه سخا میهند از مینه کودتای دیگری فراموش نمی شود. مردم ما انحصار طلبان مسحرف را اطلاع خواهند گرد و مشتکی سخت را آفتاب و منفرد خواهند ساخت. چرا که مردم ما عزم تحکیم انقلاب و آوازه دادن آن تا ایچا دانی را از یاد و آبا و اجداد گرفتار دارند.

لهستان

بشیدا ز صفحا اول

مبارزات کارگران لهستان همچنان ادامه یافته و روبه گسترش است و هرآن ممکن است یا تخت است یعنی ورشورادر برگیرد . پس از ناسک ، دومین بنسدر دریای بالتیکی یعنی بندر "جیزین" بتدریج در اکتساب فرو میبرد . ونیز دومرکز صنعتی مهم دیگر : گاتویچ (مرکز معدنی) و نوا هوتا بتدریج به جنبش می پیوندند . معدنچیان سلزی کمیته های کارگری تشکیل داده اند و اعلام کرده اند اگر قوای نظامی علیه آنها بیرون دانگ بکار گرفته شود ، آنها هم دست بردار خواهند زد .

کارگران که به مبارزات از خواستهای اقتصادی خود دست یابی به خواستهای سیاسی همچنان ادامه میدهند . در سلوچسه این خواستهای سیاسی ، انحلال سندیگهای دولتی و برقراری آزادی سندیگائی قرار دارد . تحقق این خواست یعنی ایجاد سندیگهای آزاد کارگری بر مبنای انتخابات آزاد در حقیقت به معنی تلاشی سیستم حاکمیت بوروکراتیک و ضد کارگری و ضد خلقی رویزیونیستیهای حاکم بر لهستان است . تحقق این خواست همچنین ضربه ای است بزرگ به حاکمیت امپریالیستی شوروی در کشورهای واسنه اروپای شرقی و بخصوص لهستان که نقش مهمی را از نقطه نظر استراتژیک در این بلوک دارا است .

حمله به دهکده های کشاورزی ...

بشیدا ز صفحا اول
روز حمله سراسری بود و تقریباً به تمام دهکده ها و مناطق های فروس کتب مستقر در نقاط مختلف شهر حمله شد . افراد گروه مهاجم در جلوه دانشگاه شعار مرگ بر شوروی را میدادند . در این روز تنها به ساط حزب توده در جلوه ناسک دانشگاه حمله نشد . مهاجمین برای جلوگیری از حمله به ساط حزب توده بسا دستهای خود زنجیر درست کرده اند . در این روز به ننگا هیستای انتشاراتی نیز حمله شد . ننگا هیستای های انتشاراتی علم ، نگاه اتحاد ، روم ، نوبا ، گاروگاتو از این جمله هستند . مهاجمین صندوق انتشاراتی ننگا را مصادره نمودند . اما با ساداران میگفتند که بین ما دزد و دزدانه مواظب

«اگر روسها حمله کنند، اوضاع مانند افغانستان خواهد شد، نه مانند پراگ»

حدود ۲۵ نفر دیگر از همراهان او نمود . در مصاحبه ای که کورون اخیراً انجام داده در چند نشریه خارجی از جمله "اشپگل" آلمان و "نیکول" اسرائیل تور "فرا" آمده است یاجی کورون میگوید :

جنبش اعتراضی کنونی دارای اهمیت بسیار است زیرا سراسراً از یک جهتگیری نوین کارگران به شمار میرود .

اساس این جهت گیری ، تحمیل واقعیت جنبش مستقل کارگری و سازمانهای آن (کمیته های کارگری و میگوشتها از این ضعف شوروی حداکثر استفاده را ببرند . اما در صورت بروز فاجعه آنها آماده مقابله نیز هستند . در همین موردی که کورون در مصاحبه فوق الذکر بیرونی اعلام کرده است : "اگر روسها حمله کنند ، اوضاع مانند پراگ نخواهد شد ، بلکه مانند افغانستان خواهد شد ."

آری بزولتا ریا و خلقهای کشورهای زیر سلطه شوروی تصمیم گرفته اند در برابر برزور و سرکوب و قوای نظامی بر قدرت نوحا ستمقاومت کنند .

مبارزات کارگران لهستان نقش فوق العاده مهمی در مبارزه علیه سوسیال فاشیسم و سوسیال امپریالیسم و علیه سلطه طلبی دوا بر قدرت ایفا میکند ، این مبارزه بطور مستقیم به مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای جهان یاری میرساند . از بیکارمندی کارگران و مردم لهستان پشتیبانی کنیم .

آخرین عقب نشینی دولت ضد کارگری در برابر کارگران ، قبول مذاکره در سطح دولتی با کارگران اعتصابی است دولت برای این منظور یکی از مشاورین دفتر سیاسی حزب کارگران که معاون وزارت خانه نیز هست ما مور مذاکره نموده است . هم اکنون اکتون اعتصاب در بندر دانسک حدود ۵۹ رگر رکا رگر ۵۹ موسسه صنعتی را در بر گرفته است . دولت میگوید عین مذاکره برای خواسته های اقتصادی از هرگونه تسلیم در برابر خواستهای سیاسی خودداری کند . دولت همچنین میگوید از رشده همبستگی کارگران و سراسری شدن جنبش جلوگیری کند . برای این منظور از شیوه هایی مانند قطع ارتباط تلفنی میان دانسک و سایر شهرها و دادن زدن به اختلافات میان کارگران و میان کارگران اعتصابی و شونده های مردم گسه اعتصاب در کارخانه اخلال بوجود آورده است . اما استفاده میکند . لکن کارگران با هوشیاری و هشیمنگی ، مبارزه متحد خود را به پیش میبرند . آنها میگویند : خواست ما فداستمره اکتون دیگر فراموش شده ، خواست اصلی ، آزادی سندیگائی و دیگر آزادیهای دموکراتیک است .

در روز گذشته دولت ضد دموکراتیک لهستان ، برای جلوگیری از انتشار اخبار مبارزاتی دانسک به ساط برنقاط کشور اقدام به دستگیری رهبران مخالفین لهستان "یاچک کورون" و "آدام مینسکی"

«شورای انقلاب فرهنگی» پارا از گلیم خود فراتر نهاده است

شورای انقلاب فرهنگی که چندی پیش برای رسیدگی به امور فرهنگی و آموزشی دانشگاهها انتخاب شده بود ، در این مدت نه تنها کاری برای تغییر و تحول نظام آموزشی و برنامهریزی برای دانشگاهها و ... نکرده بلکه پارا از گلیم خود فراتر نهاده و دست به کارهایی زده که در حوزه مسئولیت این شورا نبوده است .

شورای انقلاب فرهنگی بجای انجام وظائف مشخص خود ، برای خودش یک نهاد خودگما شده و عوض تحقیق و بررسی دروس دانشگاهی ، نظام آموزشی حاکم بر دانشگاهها و تغییر و تحول این سیستم ، به پاکسازی و تصفیه استادان مشغول است ، این شورا برای انجام چنین کاری در هر یک از دانشگاهها ستادی متشکل از نماینده خودش و نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان تشکیل داده که به پیرونده و سابقا ستادان رسیدگی و در صورت هم خط نبودن استادان ، با دلایل مختلف ، با برجسبهای بسیار کوچکانه ، بوابا توشل به جماعت "مکتبی" و قوانین نوظهور در باره امورها دانشگاهها آنان را اخراج می کنند .

دامنه این کارها آنقدر وسیع و گسترده شده که حتی اعتراض رئیس جمهور را نیز برانگیخته است . وی در جریان دیدار با روسای دانشگاهها و بعضی استادان به این مسئله اشاره کرده و گفته است که این شورا ما مور رسیدگی به امور فرهنگی دانشگاهها بوده و حق دخالت در امورها جرائی دانشگاهها را ندارد .

به این ترتیب معلوم نیست اینها به چه دلیل ، با چه معیار و طبق چه قانونی اینطور دست به تصفیه استادان می زنند ؟ اینهم در شرایطی که تمام منابع ما از کار افتاده ، تولید خوابیده ، در روستاها و شهرستانهای مازشک و متخصص موجود نیست و ما ناچار دست به دستا زده دوستان و جاهای دیگر پزشکی و متخصصان را درمی کنیم ...

آیا قایبان ستاد انقلاب فرهنگی درک نمی کنند که این استادان را که بیرون کنند میتوانند هزاران متخصص پزشکی و ... تربیت کنند و در ساختن ایرانی مستقل و متکی بخود و در مبارزه ضد امپریالیستی نقش موثری را ایفا نمایند ؟ اگر آنها واقعا میخواهند به خلق و انقلاب و مملکت خدمت کنند ، نه به یک جناح و عده ای خاص ، باید اوقایع را با شنا سندیگها حرکت از این واقعیت و برنامهریزی دقیق عمل کنند .

واقعیت در اینست که اکثر استادان دانشگاهها صدرمد "اسلامی" و "مکتبی" نیستند ولی بیشترشان در خدمت انقلاب و در جهت پیشبرد اهداف آن کار می کنند . بنا بر این باید بجای دفع و حذف آنها ، سیاست جذبارا در پیش گرفت تا آنان را بیش از پیش در خدمت انقلاب قرار گیرند .

شمس اردگانی: کاتولیک تر از پاپ نباشید

علی شمس اردگانی سفیر جمهوری اسلامی ایران در کوبیت در مصاحبه اختصاصی با خبرنگار رکیها ن نقطه نظرات مهمی در مورد سیاست خارجی ایران و دور انقلاب بیان کرد .

وی در مورد تلاش امپریالیستها برای انزوای ایران و مبارزه در دو جنبه نظامی - سیاسی و تبلیغاتی گفت انقلاب اسلامی ایران با عمل نظامی - سیاسی رژیم منحوس پهلوی را ساقط کرد و نقش مهمی با رژیمهایی که از همان قماش هستند در قضاوتی قرار دارد ، در این معارضه است که بیروزی نیاز بکار سیاسی - تبلیغاتی دارد .

اردگانی با اشاره به برداشت عده ای که خواهان قطع رابطه با چنین رژیمهایی ، یا عدم شرکت در مجامعی که این رژیمها شرکت میکنند ، در مورد کنفرانس اسلامی ایران گفت این کنفرانس از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین دعوت شده بود . شخص یا سرعقات برای ایجاد آن بتمام دول عضوا مه فرستاده بود . بنا بر این اگر بنا بود کنفرانس بعلت قرآن بایکوت شود در حالیکه از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین دعوت شده بود ، بهیچیک است که مسلمانان جهان بما میگفتند که چرا شما از پاپ هم کاتولیک تر شده اید .

علی شمس اردگانی در رابطه با فعالیت های سیاسی بین المللی گفت که تنها بدفراموش کرد که این نشستها بی نیست که بتوا ندیده نشا یچ آن چشم دوخت و خیال کرد که مثلا بین کنفرانس یا آن کنفرانس بیست المقدس را آزاد خواهد کرد ، بلکه وسیله ای هستند برای پیروزی در حمله سیاسی - تبلیغاتی وی و گفت مثلا در رابطه با آزاد کردن قدس قطع رابطه سیاسی با کسانیکه بیت المقدس را بعنوان پایتخت اسرائیل برسمیت میباشند کافی نیست ، از این رو پیشنها دما برای این بود که با هر

برگزاری موفقیت آمیز کنگره کنفدراسیون دانشجویان

ضد انقلاب در سالن کنگره دو بمب منفجر کرد

مبارزاتی که بحق آدام سنن پر افتخار ۲۵ ساله جنبش دانشجویی خارج از کشور است .

حزب ما برای سپس و اعضای آن و برای کلیه دانشجویان هوادار انقلاب اسلامی ایران در خراسان از کشور آرزوی موفقیت بازم بیشترا در افشای دشمنان انقلاب و امپریالیسم آمریکا و عمال آنرا دارد .

بسیست و هشتمین کنگره کنفد - راسیون دانشجویان و دانش آموزان ایران (بخش آمریکا) از روز دوشنبه ۲۷ مرداد ماه تا چهارشنبه ۲۹ مرداد ماه در برکلی برگزار شد . این کنگره به سه بخش : دفاع از انقلاب اسلامی

در محل انتشارات علم یکی از مهاجرتی طور تلفنی با شخصی که او را آیت الله غفاری خطاب میکرد صحبت کرد و کسب تکلیف کرد. طرف مکالمه تلفنی با دادستانانی تماس بگیرد. حدود بیست دقیقه بعد نماز بنده در دستگیر شد. در محل حاضر بود.

سمنه ۵۹/۵/۲۸؛ صبح گروه مهاجرتی بنده با تمام دهگه داران و مسافری های گوناگونی جلسه داشتند در آنجا تحلیل نمودند.

چهارشنبه ۵۹/۵/۲۹؛ ساعت دوازده و ربع گروه مهاجرتی جلسه روزانه خود را شروع کردند. ولی در این روز خسارتی وارد نشد. رهبری گروه مهاجرتی افراد جدیدی پیوسته داشتند.

پنج شنبه ۵۹/۵/۳۰؛ در این روز جلسه وحشیانه در آن روزهاقیق ثبت بود. نوار، کتاب، روزنامه بود که هوای میرفت. مهاجرتی رفتار بسیار رخصتی داشتند. خسارت وارده بسیار زیاد بود. گزارشات فوقی نشان میدهد که این حملات تحت حمایت برخی از پاسداران و افراد کینه تها و تحت هدایت افراد مذهبی انجام میشود که خود با بدحاشی قانون باشند. رهبری حمله کنندگان را اغلب افراد مذهبی پیوسته دارند که از جمله فرزندگانی روزنامه های "نبرد ملت"، "مناقض" و "پاسخ می-باشند.

در یک مورد مشخص مردم یکی از حمله کنندگان را که شخصی را با چاقو مضروب ساخته بود دستگیر کرده و پس از بازرسی حبسهای وی کارت کشته را در حبس وی پیدا میکنند. این قبیل اعمال غیر قانونی و ضد آزادی که جنبه کاملاً روزمره بخود گرفته است تهدید جدی علیه دموکراسی و آزادی و مسووری وحشیانه به قانون اساسی جمهوری اسلامی است. ما هشدار میدهیم که اگر مقامات مسئول به وظیفه قانونی خود مبتنی بر حفاظت از قانون اساسی در برابر مهاجرتی که عمل نکنند شرایطی بوجود خواهد آمد که دستگیر گروهها و دستجات مهاجرتی از عهده مقامات خارج خواهد کرد و بدو خوب آزار نه تنها کمونیستها و عناصر صریح بلکه مجموعه جامعه و در درجه اول جمهوری اسلامی خواهد خورد.

می خواهیم ما حجتا نه را

بیتید از صفحه اول

اخیرا خودایان در مصاحبه ای با سیمای جمهوری اسلامی اظهار داشتند که قرار بود در آنجا تریکوهیها و اجزای سرگردانده شود اما چنین چیزهای کشف شده مسئله را پیچیده کرده و با بد رسیدگی شود ممکن است به داده های انقلابی سرکشیده شود.

بهر حال اگر ما را اینجسه

اتریش با لیسام آمریکا و عوامل فساد انقلاب در خارج از ایران و خارج بر خاسته بود، مورد حمایت دانستی-جویان و سایر ایرانیان مسافران مقیم خارج قرار گرفت.

در جشن افتتاحیه این کنگره که روز چهارشنبه برپا شد، دو مسمب قوی از طرف عامل ساواک و سیسا منفجر شد که خوشبختانه هیچ کس در مجروح بنام مرا نودری خسارت جانی وارد نشد. این مسمبها هنگامی منفجر شد که دانشجویان در حال خروج از سالن محل برگزاری کنگره بودند.

سایک آزاد دبیر کنگره اسبب (بخش آمریکا) در مورد این انفجارات گفت سنتر ما عامل اصلی این بحب گذارینا کسانیا جز عوامل ساواک-سا و طرفداران رژیم سابق شده بملوی نیستند. این عوامل در برخورد با نیروهای مترقی و کسانیکه از انقلاب اصیل ایران و رهبران آن دفاع میکنند به یک نوع عمل میکنند. فدا انقلاب همان طوریکه در خیابانهای تهران دست به کارهای تخریبی میزند برای جلوگیری از مبارزات کنگره اسبب که جنایت های آنها را فضا میکند و نظارات آنها را بهم میزنند، به رد بلایه ترین وجهی در اجتماعات آنان صحت گذاری میکنند. این مسئله حساسیت ما را در دفاع از انقلابیان بخوبی نشان داد. و عزم ما را در این راه سختتر کرد که به ادامه فعالیت خودمان ایستاد بستی بیاریم.

همچنین لیبی غیر خیر گذارینا سازمان اف. بی. آی. اعلام کرد که دانشجویان شرکت کننده در میتینگ از طرفداران رهبر انقلاب اسلامی ایران آیت الله روح الله خمینی بودند.

حمله وحشیانه عمل سیا و موساد به دانشجویان مبارز و عضو کنگره اسبب

مدت مسامحه و تعطیل مقامات رسمی و بخصوص دادستانی کل بگذریم - که البته قابل گذشت نیست - عجیب است که بر عهده سازی و سایر عده ای عناصر غیر مسئول که هیچ سمت رسمی برای کاری کسبه انجام داده اند، ندارند، حقیقه سندی پیدا میکنند که بر اساس عملیات آنها متلازب ما با بد رسیدگی دادسراها و دادگاهها قرار گرفتند. نکی نیست که مواضع و فعالیت های حزب ما آنتی سدر بنا بر گماهیست انقلابی، اصیل و مردمی ما است که با اذیت و سبب بیرونده از آنها و با متلازب رسیدگی های دادسراها و دادگاهها با یکی ندادیم و من آنکه تمام عملیات علیه حزب و رهبران ایران را مردود اعلام میکنیم، ما اینها هر مرجع و محل

پرسش و پاسخ

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، عضو کنگره اسبب دانش آموزان و دانشجویان ایران، طی انتشار جزوه های بهر خورد انحصار طلبان در مورد مبارزات دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، اعتراض کرده اند که قسمت هایی از آن را در زیر می آوریم.

در روز یکشنبه ۲۷ ژوئیه (سوم مرداد) دانشجویان میهن پرست ایرانی در آمریکا مبارزه موفق را در برابر تظاهرات متحک طاغوتیان فراری و ساواکیها در شروا شنگتن آمریکا پیش بردند. شرح این مبارزه از زبان یکی از مسئولین کنگره اسبب که خود در آن شرکت مستقیم داشته است در ارگان مرکزی کنگره اسبب جهانی (سیس)، نشریه شانزدهم آورده شده و به خبرگزاری پارس و روزنامه های اطلاعات، انقلاب اسلامی و کیهان نیز در همان روز اطلاع داده شده است. . . .

خبر برای سرویس خبری همگی آمان تازه بود و از ماخذ دیگری خبر داده نشده بود. گزارش دهنده دقیقاً نیروهای شرکت کننده در این مبارزه و دستگیر شدگان و زخمی ها را گزارش داده بود و توضیح داده بود که صف متحرک میهن پرستان نوظنه طاغوتیان را بر هم زد. متأسفانه زمانی که صداهای انقلاب اسلامی ایران و روزنامه های نام برده شده گزارش این مبارزات را دادند به جز در یک مورد (روزنامه انقلاب اسلامی) ما شاهد آن بودیم که از گزارش های کنگره اسبب مبنی بر جنگی جریانات استفاده نموده اند اما نام کنگره اسبب را در تمام گزارشات حذف کرده و طوری خبر را آورده اند که گویا این تنها انجمن دانشجویان اسلامی بوده است که این مبارزات را به پیش برده و دیگران اصلاً وجود نداشته اند، سپس سیر پیام به دانشجویان سلطان مقیم آمریکا از سوی تمام ارگانها و مسئولین دولتی سرزیر می شود، ۲۴ مرداد (روز شرویت) به روز هسبتگی با دانشجویان سلطان خارج کشور تبدیل می گردد و هر کسی سعی می کند تا هر چه بیشتر سنگ دفاع از این دانشجویان را به سینه بزند. مبارزاتی که عمدتاً بر علیه طاغوتیان و امپریالیسم آمریکا از سوی نمای دانشجویان میهن پرست ایرانی (به تنها انجمن اسلامی) به پیش برده شده بود، اینک وسیله ای می-

گردد تا انحصار طلبان و سودجویان از آن جهت پیشبرد دعوای گروهی خود استفاده نمایند. این برخورد از سوی انحصار طلبان برای ما تازگی نداشت زیرا که در گذشته نیز ما شاهد این گونه حرکات بوده ایم. زمانیکه شاه فراری به آمریکا پناهنده شد و دانشجویان ایرانی بخصوص اعضاء کنگره اسبب فعالیت های وسیعی را در اعتراض به سیاست آمریکا در بنه دادن به شاه به پیش بردند نیز در رسانه های گروهی ایران و صدا و سیمای انقلاب اسلامی از همه این فعالیتها بنام دانشجویان عضو انجمن اسلامی نام برده شد. برای ما تبلیغ نام کنگره اسبب مطرح نیست بلکه ماهیت این مبارزات و موفقیت های آن مهم است، اما تحریف حقایق مسئله ای است که نمی توان از آن به سادگی گذشت زیرا وقتی انحصار طلبان در مورد نقل اخبار از روش سانسور و تحریف استفاده می کنند در حقیقت قانون اساسی را نقض کرده و می بایستی آنان را افشا نمود.

خودسرا نه گروهی های خودکامه غیر مسئول و مشکوک که هدف های فرصت طلبانه و خائنه ای دارند تبدیل خواهند کرد.

آنچه که مربوط به مقامات رسمی کشور و دادستانی کل کشور میشود با بدی کوئیم نیست که اگر شما میخواهید بدید برونده دادروسته های مزدور بیگانه ما سندی پیدا کنید نوری در رهبری حزب توده رسدگی کنید، آستانه خستنیهای این دارو دسترها میتواند سخته خود و با یاری نیروهای استقلال طلب بدون کمک گرفتن از عناصر غیر مسئول که در یورشهای خود بیرونده سازی های خودتجان دوغ و دوشاب را قاطی کرده اند که به هیچ وجه قابل اعتنا نیستند، بدست آورید و احتیاجی به حملات غیر قانونی و

را کرد. اما این پیشخا نه مورد حمایت قرار نگرفت. علی اردکانی همچنین در رابطه با وظیفه عمدتاً نه های گروهی ایران و صدور انقلاب چنین اظهار نظر کرد. این مهم ترین وظیفه رساله های گروهی جمهوری اسلامی ایران است که با آگاهی دادن به حقایق سیاسی در روابط بین المللی مردم منطقه را آگاهی دهد. وقتی ملتی آگاه شد خود میتواند تصمیم بگیرد. این استمئویت صدور انقلاب که امام روی آن تاکید میکنند و الا بنا سازگویی و شعار نه میتوان به کسی آگاهی داد و نه میتوان هیچ خلقی را به مبارزه کشاند.

در مورد شیاطین ایچ دیما نه ای نظامی در منطقه خلیج فارس اردکانی ابراز کرد ما با توجه به حقانیت مواضع خودمان با یستی در عین حال اجازه ندهیم که یک ژاندارم تازه در خلیج فارس پا بگیرد. متأسفانه بعضی از سازمانها و افراد طوری عمل میکنند که با فراموش کردن دشمن اصلی جمهوری اسلامی ایران و بدون توجه به امکانات نظامی سیاسی و تبلیغاتی که هیچ برنامه عملی همراه ندارد، برات دشمنی سیاسی اسلامی متحدانی ایجاد میکنند. بجای پرداختن به دشمن اصلی بد کشور های کوچکتر ناحیه حمله میکنند. ما با کوبیدن دشمن اصلی و باروا کردن سیاسی مواضع متحدان آمریکا می میتوانیم از جوی که در دل مردم مسلمان در ناحیه وجود دارد، استفاده کنیم.

ضرورت امنیت قضائی

توجه قضائیه و نقش آن در ایجاد نظام انقلابی همواره مورد توجه مردم و نیروهای صیل و مقامات انقلابی بوده و در باره آن سخن و انتقاد بسیار رفته شد. اکنون از یکسوسلسله تحولات ملی و از سوی دیگر هر چه در امر قضایی وضعی را پدید آورده که عدم امنیت قضایی در جامعه پیدا میکند. این امر مورد اعتراض وسیعی قرار دارد و ما م خمینی نیز در سخنان اخیر خود به قضات شرع آنها را ملزم به رعایت تکالیف در جهت نظم و عدم دخالت در امور دیگر نمودند.

اخیراً ما سرگشاده انجمن اسلامی وکلای دادگستری انتشار یافت که حاوی مسائل قابل توجهی در زمینه تامین استقلال قوه قضائیه است. در این نامه سرگشاده ضمن اشاره به لزوم رعایت قانون اساسی بخصوص از جانب مسئولین ملکیتی علیرغم کمبودهای قانون اساسی که با بد در متمدن کمپل شود، در مورد تامین استقلال قوه قضائیه چنین میخوانیم: "بنظر ما تامین چنین استقلال میسر نیست مگر اینکه: اولاً قضات، با اطمینان خاطر و خارج از حیطه و نفوذ حزب یا گروه و با سازمان خاصی، انجام وظیفه نمایند. ثانیاً قضات در دادها مورد مربوط به قوه قضائیه، حداقل حقوقی که قانون اساسی برای آنان در نظر گرفته است، رعایت گردد. تامین این اصل با پیش بینی اداره قوه قضائیه توسط شورای عالی قضایی عملی بود که متأسفانه به دلیل اعمال پاره ای ملاحظات غیر اصولی در ترکیب این شورا، ملاحظات دادگستری از اداره دستگاره قضایی کشور کناره گرفته شدند. این امر گذشته از اینکه در زمینه نقض قانون اساسی اولین بدعت را در تاریخ جمهوری اسلامی ایران بجا میگذارد، موجبات بیاس و دل سردی قضات را نیز در انجام وظیفه قضایی خود فراهم می نماید...."

نامه سرگشاده انجمن اسلامی وکلای دادگستری در ادامه مطالب می گوید: "متأسفانه برخورد مسئولین امر با نهادی با این اهمیت، برخوردی غیر دوستانه است. آقای دکتر بهشتی که خود از واضعین قانون اساسی جمهوری اسلامی و نیز رئیس دیوان عالی کشور میباشد و به همین ملاحظات پیش از هر کسی با بدحمت قانون اساسی را نگاه میداشتند، در یکی از گفتارهای خود با بیانی کلی بدون اینکه حتی وکلای را که خود می شناختند استثنای نمایند، وکلای سخته با زخوات نندوبه آقا یان قضات توصیه فرمودند به حرف آنا ن گوش ندهند."

در خاتمه نامه سرگشاده می آید: "ما خود این واقعت را می پذیریم که در هر صنفی از جمله صنف وکلای دادسرا ما لحن نیز سوخ پیدا کرده و حتی در میان روحانیون نیز به تاخیر اما افرادی هستند که حرمت این لحن را نگاه نداشته اند، ولی آیا با تصفیه کانون وکلای زلوت و خود این افراد، نمیتوان این محیط را پاکسازی نمود؟ آیا خود وکلای اولسین گروهی نبودند که خواستنیستار تصفیه کانون شدند؟"

ما نیز امیدواریم وکلای دادگستری با وحدت و همبستگی خود بتوانند محیطی سالم و نظامی انقلابی از دستگاه قضایی کشور مسلمان بسازند.